

مدیریت سلامت روان فرزندان در شرایط جنگی (برای حفظ امید، آرامش و معنا)

راضیه مرزانی*

اشاره

تربیت و مراقبت از فرزندان در شرایط جنگی، با چالش‌های بی‌شماری همراه است. والدین نه تنها باید با نگرانی‌های روزمره‌ای مواجه باشند که حاصل وقایع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، بلکه باید فرزندان خود را از آثار روانی و عاطفی جنگ نیز محافظت کنند. مسئله اصلی اینجاست که چگونه می‌توان در ناامنی‌ها و استرس‌های ناشی از جنگ، محیطی سالم و امیدوارکننده برای رشد فرزندان اعم از کودک و نوجوان فراهم آورد؟ کودکان و نوجوانان در چنین شرایطی ممکن است با ترس، اضطراب و احساس ناامنی روبرو شوند؛ بنابراین نیازمند راهنمایی و حمایت هستند تا بتوانند احساسات خود را درک و مدیریت کنند؛ همچنین حفظ برنامه‌ای منظم و ایجاد حس ثبات در زندگی روزمره آنها امری ضروری است. والدین باید راه‌هایی بیابند تا ضمن آگاه کردن فرزند خود از واقعیت‌های اطرافشان، امید و انگیزه را در آنها زنده نگه دارند.

در این نوشتار به بیان راهکارهای عملی برای مدیریت احساسات، ایجاد محیطی آرامش‌بخش و تقویت حس وطن‌پرستی در کودکان و نوجوانان اشاره می‌شود که می‌تواند یاری‌رسان والدین در حفظ امید، آرامش و معنا در فرزندان باشد.

ارتباط با اماکن مذهبی مثل مسجد و هیئت‌های مذهبی

در شرایط جنگی، ارتباط با اماکن مذهبی مانند مسجد و هیئت‌های مذهبی، نقشی حیاتی در

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

حفظ امید، آرامش و اتحاد جامعه به‌ویژه برای فرزندان ایفا می‌کند. این مکان‌ها در جایگاه پایگاه‌های معنوی و اجتماعی، فرصتی برای تقویت ایمان، همبستگی و امید به آینده فراهم می‌آورند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَجْبُرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَام يَا جَبْرَيْلُ أَيُّ الْبَقَاعِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ الْمَسَاجِدُ وَأَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَيَّ اللَّهُ أَوَّلُهُمْ دُخُولًا وَآخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جبرئیل پرسید کدام مکان نزد خدا محبوب‌تر است؟ جبرئیل فرمود مساجد و محبوب‌ترین افراد مسجد نزد خدا کسانی هستند که زودتر از همه وارد و دیرتر از همه از مسجد خارج می‌شوند»^۱.

همچنین امام حسن مجتبی علیه السلام هشت فایده را برای افرادی برمی‌شمرد که در مسجد حضور می‌یابند: «مَنْ أَدَامَ الْإِحْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانٍ: آيَةً مُحْكَمَةً وَ آخَاً مُسْتَفَاداً وَ عِلْماً مُسْتَظَرِّفًا، وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ كَلِمَةً تُدْلِيهِ عَلَى الْهُدَى أَوْ تُرْذِيهِ عَنْ رَدْيٍ وَ تَرْكُ الذُّنُوبِ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً: کسی که همواره به مسجد [برای اقامه نماز و] رفت‌وآمد کند، یکی از این هشت فایده به او برسد: استفاده از آیه روشنی از قرآن، یافتن رفیق نیک، فراگیری علم تازه، برخورداری از رحمتی که در انتظارش بود، شنیدن سخنی که راهنمای راه باشد یا او را از انحراف در امان دارد، موجب ترک گناه از روی حیا و یا بر اثر ترس گردد»^۲.

این روایت‌ها که بخشی از روایات فضیلت حضور در مسجد است، نشان می‌دهد این مکان عبادی نزد خدای متعال دارای ارزش بسیاری است.

درباره اهمیت حضور در این مکان‌های مذهبی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. **تقویت ایمان و معنویت فرزندان:** شرکت در مراسم‌های مذهبی، نماز جماعت و دعا، ایمان و معنویت نه‌تنها والدین را که فرزندان را نیز تقویت می‌کند. این ارتباط معنوی به آنها کمک می‌کند در شرایط سخت، به قدرت الهی تکیه کنند و امید خود را از دست ندهند.

۲. **آموزش ارزش‌های اخلاقی:** مسجد و هیئت‌های مذهبی، محیطی برای آموزش ارزش‌های اخلاقی و اسلامی هستند. کودکان از طریق داستان‌های مذهبی، سخنان روحانیون و تعاملات اجتماعی با افراد مذهبی، مفاهیمی مانند جهاد، ایثار، فداکاری و اتحاد و انسجام را

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۸.

فرامی‌گیرند و بر اثر این تعاملات می‌کوشند این نوع از مفاهیم و رفتارها را در خود نهادینه کنند. همان امر مطلوبی که در جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری مدنظر بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم تربیتی است.

۳. حمایت اجتماعی: این اماکن محل گردهمایی افراد با باورها و اهداف مشترک هستند. کودکان و نوجوانان می‌توانند در این فضا، دوستان هم‌فکر پیدا کنند و احساس تعلق و حمایت اجتماعی می‌کنند. این حمایت به‌ویژه در شرایط جنگی که ممکن است برخی دوستان و آشنایان را از دست داده باشند، بسیار ارزشمند است. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهٍ خَيْرًا رَزَقَهُ اللَّهُ خَلِيلًا صَالِحًا: هر کس که خداوند برای او خیر بخواهد، دوستی نیکوکار نصیب وی خواهد نمود».^۱ این روایت نشان می‌دهد دوست خوب از جمله نعمت‌های مفید خداوند بر بنده‌اش به شمار می‌آید.

۴. امید به پیروزی: مراسم‌های مذهبی به‌ویژه در شرایط جنگی، اغلب با دعا برای پیروزی و موفقیت همراه است. این دعاها و مراسم، امید به پیروزی نهایی را در دل کودک و نوجوان زنده نگه می‌دارد و به آنان یادآور می‌شود در این مسیر، تنها نیستند.

۵. فعالیت‌های گروهی: مساجد و هیئت‌های مذهبی اغلب فعالیت‌های گروهی مانند توزیع کمک‌های انسانی، مراسم جشن و سوگواری و برنامه‌های فرهنگی برگزار می‌کنند. مشارکت در این فعالیت‌ها، حس مسئولیت‌پذیری و اتحاد را در فرزندان تقویت می‌کند. والدین می‌توانند با تشویق فرزندان به شرکت در این مراسم و فعالیت‌ها، نه تنها به تقویت ایمان و امید آنان کمک کنند، بلکه به پرورش حس وطن دوستی و اتحاد ملی نیز بپردازند. این ارتباط به‌ویژه در شرایط جنگی، در جایگاه ستون حمایت معنوی و اجتماعی عمل می‌کند.

الگو بودن والدین در مدیریت اضطراب

در شرایط بحرانی مانند جنگ، مدیریت اضطراب و استرس^۲ والدین نقش حیاتی در حفظ

۱. نهج الفصاحه، ص ۷۷۶، ح ۳۰۶۴.

۲. استرس (Stress) و اضطراب (Anxiety) را می‌توان واکنش طبیعی بدن در برابر موقعیت خطر دانست. هرچند این دو اصطلاح در بیشتر مواقع با هم به کار برده می‌شوند و بیان‌کننده نوعی ترس و دلهره هستند، اما از لحاظ روان‌شناسی بین استرس و اضطراب تفاوت است. فرق استرس و اضطراب این است که استرس، کوتاه‌مدت و در

آرامش و امید فرزندان ایفا می‌کند. کودکان به طور طبیعی به احساسات والدین خود واکنش نشان می‌دهند و اگر والدین مضطرب و نگران باشند، این احساسات به سرعت به فرزندان ایشان نیز منتقل می‌شود. بنابراین کنترل و مدیریت استرس والدین، گام نخست در حمایت از فرزندان است.

مدیریت اضطراب و استرس یعنی فرد بتواند احساسات منفی مانند نگرانی، ترس یا تنش را بشناسد، آنها را به درستی تحلیل کند و با بهره‌گیری از روش‌هایی چون آرام‌سازی ذهن، فعالیت بدنی یا گفتگو با دیگران، از شدت این احساسات بکاهد و کنترل کند.

راهکارهایی که می‌تواند به والدین در این امر کمک کند، عبارت‌اند از:

۱. قوی‌تر کردن ارتباط معنوی خود با خدای متعال (الا بذكر الله تطمئن القلوب): همان‌طور که بیان شد، حضور در مراکز مذهبی و انجام اعمال عبادی می‌تواند یکی از راهکارهای مهم در کاهش اضطراب و استرس در انسان باشد.

۲. آگاهی و پذیرش اضطراب: یکی از گام‌های مهم در کاهش اضطراب هنگام بحران‌هایی مانند جنگ، پذیرش وجود اضطراب است. وقتی فرد بپذیرد اضطراب، واکنشی طبیعی به شرایط سخت است، کمتر دچار سرکوب، انکار یا احساس گناه می‌شود و بهتر می‌تواند آن را مدیریت کند. یکی از رایج‌ترین اشتباه‌ها، تلاش برای انکار یا سرکوب اضطراب است؛ یعنی فرد سعی می‌کوشد احساس اضطراب را نادیده بگیرد یا از خودش پنهان کند. این انکار ممکن است در کوتاه‌مدت آرامش کاذبی ایجاد کند؛ اما در بلندمدت به افزایش فشار روانی و خستگی ذهنی منجر می‌شود.

آگاهی از اینکه «اضطراب بخشی از واکنش طبیعی انسان به خطر و ابهام است»، سبب می‌شود فرد به جای جنگیدن با اضطراب، آن را بپذیرد و بهتر مدیریت کند. پذیرش به معنای تسلیم نیست، بلکه گام اول برای مقابله مؤثر است. وقتی فرد اضطرابش را می‌شناسد، می‌تواند آن را نام‌گذاری کند (مثلاً: «الان نگران آینده‌ام، چون...»)، شدت آن را بسنجید و از روش‌های سالمی برای کاهش آن بهره‌برد؛ مانند تنفس عمیق، گفتگو با دیگران، دعا و توکل یا نوشتن احساسات.

پاسخ به تهدیدی شناخته‌شده است؛ اما اضطراب، می‌تواند طولانی مدت باشد و گاهی به نظر می‌رسد هیچ چیز خاصی باعث ایجاد آن نشده است.

۳. بهره‌گیری از تکنیک‌های آرامش‌بخش: بهره‌گیری از تکنیک‌های آرامش‌بخش یعنی استفاده از روش‌هایی مانند خواندن دعاهای مأثور^۱ به همراه ترجمه‌ها، تنفس عمیق، ریلکسیشن عضلانی^۲.

۴. حضور کمتر در شبکه‌های اجتماعی: در شرایط بحرانی مانند جنگ، شبکه‌های اجتماعی معمولاً پر از اخبار نگران‌کننده، شایعات و تصاویر نگران‌کننده هستند. حضور بیش از حد در این فضاها می‌تواند ذهن را درگیر اضطراب مزمن، ترس‌های مکرر و احساس بی‌ثباتی کند. همچنین مقایسه‌های اجتماعی و انتشار اطلاعات بدون رصد و معیار مناسب، می‌تواند به افزایش ناامیدی، بی‌اعتمادی و کاهش تمرکز منجر شود. کاهش زمان حضور در این فضاها به فرد کمک می‌کند ذهن آرام‌تری داشته باشد، منابع روانی خود را برای تصمیم‌گیری و مواجهه منطقی با بحران حفظ کند و به روابط واقعی خانوادگی و حمایت‌های عاطفی نزدیک‌تر بماند. برای این امر می‌توان از سه راهکار زیر بهره‌گرفت:

الف) تنظیم زمان استفاده: تعیین بازه‌های زمانی مشخص برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی (مثلاً فقط ۲۰ دقیقه در صبح و عصر) و پابندی به آن؛

ب) دنبال‌کردن منابع مطمئن و تأییدشده از سوی افراد خبره: انتخاب یک یا دو منبع خبری معتبر برای دریافت اخبار به جای مرور مداوم شبکه‌های پر از شایعه یا تحلیل‌های هیجانی؛

ج) جایگزینی با فعالیت‌های آرامش‌بخش: اختصاص زمان آزاد به کارهای خلاقانه مثل مطالعه، نقاشی، ورزش سبک، نوشتن یا تعامل خانوادگی به جای سرگردانی در فضای مجازی.

۵. بهره‌گیری از ارتباطات و حمایت‌های اجتماعی همچون ارتباط با خویشاوندان؛

۶. انجام فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی.

۱. دعای مأثور یعنی دعایی که از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است؛ به عبارت دیگر، دعایی است که عین کلمات و الفاظی که معصوم در مقام دعا به کار برده‌اند، نقل شده و در کتب ادعیه ثبت شده است.

۲. ریلکسیشن عضلانی (Muscle Relaxation) یکی از روش‌های مؤثر برای کاهش استرس است. در این تکنیک، فرد به صورت مرحله‌ای گروه‌های عضلانی مختلف بدن را ابتدا منقبض و سپس شل می‌کند. این فرایند سبب آگاهی بیشتر از تنش‌های بدنی و در نتیجه آرام‌سازی ذهن و کاهش اضطراب می‌شود.

انجام فعالیت‌های منظم روزانه برای فرزندان

ایجاد یک برنامه منظم روزانه برای فرزندان، ابزاری قدرتمند در حفظ آرامش و امید در شرایط جنگی است. این برنامه‌ریزی، حس ثبات و امنیت را به کودک و نوجوان بازمی‌گرداند و به آنها کمک می‌کند با انرژی مثبت و هدفمند، روز خود را سپری کنند.

عناصر کلیدی یک برنامه روزانه

۱. خواب منظم: خواب کافی و منظم، ستون فقرات سلامت روانی و جسمی کودکان است. والدین باید ساعات خواب فرزندان را تنظیم کنند و محیطی آرام برای خواب آنها فراهم آورند.

۲. تغذیه سالم: وعده‌های غذایی منظم و مغذی، انرژی لازم برای فعالیت‌های روزانه را تأمین می‌کند. در کنار غذاهای سالم، لحظاتی از شادی و گفتگوی خانوادگی را نیز در وعده‌های غذایی بگنجانید.

۳. بازی و سرگرمی: بازی‌های فردی و گروهی، فرصتی برای تخلیه انرژی و پرورش مهارت‌های اجتماعی است. بازی‌های خلاقانه و فکری، ذهن کودکان را فعال نگه می‌دارد و به آنها کمک می‌کند با چالش‌ها دست‌وپنجه نرم کنند.

۴. فعالیت‌های هنری: نقاشی، داستان‌نویسی و دیگر فعالیت‌های هنری، ابزارهایی قدرتمند برای بیان احساسات و پرورش خلاقیت هستند. این فعالیت‌ها به کودک و نوجوان کمک می‌کند احساسات خود را پردازش دهد و به زندگی معنا ببخشد.

۵. زمان مطالعه: خواندن کتاب نه تنها دانش کودکان را افزایش می‌دهد، بلکه تخیل و تفکر انتقادی آنها را نیز پرورش می‌دهد. ایجاد کتابخانه کوچک خانگی و اختصاص زمانی برای مطالعه مشترک، می‌تواند عشق به کتاب را در کودکان پرورش دهد.

۶. فعالیت‌های بدنی: ورزش و فعالیت‌های بدنی منظم، افزون بر تضمین سلامت جسمی کودکان، به تخلیه انرژی و کاهش استرس کمک می‌کند.

والدین می‌توانند با انعطاف‌پذیری و خلاقیت، برنامه‌ای متعادل و سرگرم‌کننده تدوین کنند که به نیازهای جسمی، عاطفی و ذهنی فرزندان پاسخ دهد. این برنامه منظم، به کودکان کمک می‌کند با اعتماد به نفس و امید، روزهای چالش برانگیز را پشت سر بگذارند.

کاشتن بذر امید در دل خانه

در شرایط جنگی که با شرایط عادی و امن تفاوت بسیار دارد، تبدیل خانه به فضایی امیدبخش و آرامش‌بخش، تأثیر عمیقی بر روحیه فرزندان دارد. خانه باید مکانی باشد که کودک و نوجوان در آن احساس امنیت کنند و بتوانند با دوری از استرس‌های بیرونی، انرژی مثبت کسب نمایند.

در این شیوه می‌توان از راهکارهای زیر بهره جست:

۱. **تزئینات الهام‌بخش:** استفاده از رنگ‌های شاد و گرم در دکوراسیون و قراردادن تصاویر و پوسترهای الهام‌بخش، می‌تواند فضای خانه را امیدوارکننده کند. آیه‌نوشته، روایت‌های انگیزه‌بخش، تصاویری از طبیعت، قهرمانان ملی یا حتی آثار هنری خود کودکان، می‌تواند دیوارهای خانه را به منبع الهام تبدیل کند.

۲. **فضای سبز:** ایجاد باغچه‌ای کوچک یا قراردادن گلدان‌های گیاهان خانگی، نه تنها موجب افزایش زیبایی خانه می‌شود، بلکه حس زندگی و رشد را به کودکان منتقل می‌کند. مراقبت از گیاهان می‌تواند مسئولیت‌پذیری و امید به آینده را در آنها پرورش دهد.

۳. **گوشه‌های آرامش:** اختصاص گوشه‌ای از خانه به فضای آرامش با وسایلی مانند بالش‌های راحت، کتاب‌ها و وسایل هنری، به کودکان کمک می‌کند زمانی را برای آرامش و بازتاب درونی داشته باشند. یکی از سفارش‌ها برای داخل خانه، مشخص کردن مکانی برای محراب عبادت است که حضور در این مکان می‌تواند به اندازه یک سجاده عبادت باشد و برای والدین و نیز فرزندان می‌تواند مایه آرامش باشد.

۴. **گفتگوهای خانوادگی:** ایجاد زمان‌هایی برای گفتگوی آزاد و صمیمی در خانواده، به فرزندان اجازه بیان احساسات خود را می‌دهد و در مقابل این گفتگو، حمایت عاطفی را دریافت می‌کنند. این گفتگوها می‌تواند دور میز غذا یا هنگام انجام فعالیت‌های مشترک اتفاق بیفتد.

۵. **نمایش دستاوردهای کودکان:** نمایش آثار هنری، پروژه‌های مدرسه یا دستاوردهای ورزشی فرزندان در خانه، به آنها حس افتخار و ارزش می‌دهد. این کار موجب تقویت اعتمادبه‌نفس آنان می‌شود و خانه را به گالری موفقیت‌ها تبدیل می‌کند.

با این تغییرات، خانه به مکانی تبدیل می‌شود که کودکان با ورود به آن احساس آرامش، امنیت و امید می‌کنند. این فضا به آنان قدرت می‌دهد با نگرشی مثبت، با چالش‌های بیرون از خانه مواجه شوند.

معنایابی در میان هرج و مرج‌های روانی

در شرایط جنگی، یافتن معنا و هدف در زندگی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کودکان و نوجوانان با آن روبرو هستند. معنا در زندگی به مفاهیم و ارزش‌هایی اشاره می‌کند که به تجربه انسان‌ها جهت و هدف می‌دهند. این معانی ممکن است از کودکی به کودک دیگر یا نوجوانی به نوجوان دیگر متفاوت باشد و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، مذهب، تجربیات شخصی و روابط اجتماعی شکل می‌گیرند.

والدین می‌توانند با راهکارهای مناسب به فرزندان خود کمک کنند تا در میان هرج و مرج، معنا و هدف را بیابند و با واقعیت‌های سخت زندگی کنار بیایند. راهکارهای زیر می‌تواند در امر یافتن معنای زندگی به کودک و نوجوان کمک کند:

۱. **توضیح اهمیت اتحاد و مقاومت:** والدین باید به فرزندان خود توضیح دهند که اتحاد و مقاومت در برابر دشمن، نه تنها برای حفظ میهن، بلکه برای حفظ ارزش‌ها و هویت فرهنگی نیز ضروری است. داستان‌های تاریخی و حماسی مانند دفاع مقدس که گنجینه بزرگی از آن در نزد ما ایرانیان است، می‌تواند به فرزندان کمک کند تا درک بهتری از اهمیت این مفاهیم داشته باشند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «خاطرات جنگ، گنجینه تمام‌نشدنی برای آیندگان است».^۱

۲. **تقویت حس وطن‌پرستی:** آموزش تاریخ و فرهنگ ایران و همچنین شرکت در مراسم ملی و مذهبی، حس وطن‌پرستی و تعلق به میهن را در کودکان تقویت می‌کند. این حس به آنان کمک می‌کند تا درک کنند دفاع از کشور، دفاع از خانه و خانواده آنهاست و در این امر با دیگر افراد جامعه اشتراک دارد و یک انسجام ملی در این مورد وجود دارد.

۳. **انجام کارهای خیرخواهانه:** مشارکت در کارهای خیرخواهانه و کمک به دیگران، حس هدف‌مندی و معنا را در کودکان تقویت می‌کند. این کارها می‌تواند ساده باشند، مانند کمک به همسایه‌ها یا مشارکت در برنامه‌های کمک به نیازمندان.

۴. **آموزش مسئولیت‌پذیری:** به کودک و نوجوان باید آموخت که هر فرد حتی در شرایط سخت، می‌تواند نقش مثبتی ایفا کند. این مسئولیت‌پذیری می‌تواند در حد توان کودک باشد،

1. <https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=51354>.

مانند مراقبت از یک گیاه یا کمک به کارهای خانه.

۵. **گفتگو درباره ارزش‌های اخلاقی:** گفتگو در مورد ارزش‌های اخلاقی مانند ایثار، فداکاری و صداقت، به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند درک بهتری از اهمیت این ارزش‌ها در شرایط جنگی داشته باشند. این گفتگوها را می‌توان در قالب داستان‌ها و مثال‌های واقعی ارائه داد.

۶. **تشویق به نوشتن و بیان احساسات:** نوشتن خاطرات، نامه‌نویسی یا بیان احساسات از طریق هنر، به کودکان و به طور خاص نوجوان کمک می‌کند احساسات خود را پردازش کند و به زندگی معنا ببخشد. این فعالیت‌ها به آنان اجازه می‌دهد افکار و احساسات خود را سازماندهی کنند.

با یافتن معنا و هدف در زندگی، کودکان و نوجوانان می‌توانند با واقعیت‌های سخت زندگی کنار بیایند و به آینده امیدوار باشند. امید و هدف‌مندی به آنها قدرت می‌دهد در شرایط سخت، مقاوم باشند و به ساختن آینده‌ای بهتر بیندیشند.

آموزش تاب‌آوری به فرزندان

آموزش تاب‌آوری به کودکان و نوجوانان در شرایطی نظیر جنگ و بحران‌های جدی که ممکن است در زندگی خود با آنها مواجه شود، یکی از جنبه‌های مهم حمایت از سلامت روان آنهاست.

تاب‌آوری (Resilience) در ادبیات روان‌شناسی به توانایی افراد، خانواده‌ها یا نظام‌های اجتماعی برای حفظ عملکرد مطلوب در مواجهه با فشارهای شدید، تهدیدها یا آسیب‌های جدی اطلاق می‌شود.^۱ تاب‌آوری نه یک ویژگی ثابت، بلکه فرایندی پویاست که در بستر حمایت‌های بین‌فردی، معنابخشی و مهارت‌های مقابله‌ای شکل می‌گیرد.^۲

برخی از مواردی که می‌تواند موجب افزایش تاب‌آوری در فرزندان شود، عبارت‌اند از:

۱. گوش دادن و برقراری ارتباط: ایجاد فرصت‌هایی برای شنیدن نظرات و احساسات فرزندان می‌تواند یکی از راه‌های افزایش تاب‌آوری در آنان باشد. کودک و نوجوان برای بیان احساسات

1. Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. American Journal of Orthopsychiatry, 71, pp: 290-297.

2. Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. American Psychologist, 56(3), pp: 227-238.

خود نیاز به شنیده‌شدن و درک دارند که اگر این امر از سوی والدین به‌درستی انجام گیرد، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تاب‌آوری در ایشان گردد.

۲. آموزش مهارت‌های حل مسئله: شاید نتوان هیچ امری را به اندازه این مسئله در افزایش تاب‌آوری مهم دانست. کمک به کودک و نوجوان برای شناسایی مشکلات و مسائلی که در دوران کودکی و نوجوانی خود با آنها مواجه می‌شود و آموختن طراحی راهبردهای و راه‌حل‌های مختلف، می‌تواند یاری‌رسان ایشان در تقویت اعتمادبه‌نفس و درنهایت افزایش تاب‌آوری در ایشان گردد.

۳. توسعه مهارت‌های اجتماعی: تشویق به برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد دوستی‌های مثبت که می‌تواند در زمان‌های سخت به عنوان منبع حمایت عمل کند. البته تذکر این امر ضروری است که والدین باید شیوه یافتن همسالان مناسب را به فرزندان یادآوری کنند.

۴. فراهم کردن اطلاعات مناسب: آموزش به کودکان درباره وضعیت جنگ و اضطراب‌های مرتبط با آن به شیوه‌ای مناسب سن و به دور از ترس و وحشت. در این مسئله می‌توان از محتواهای تولیدشده در بستر شبکه‌های اجتماعی بهره جست و پس از اطمینان از محتوا، آنها را در اختیار فرزند خود قرار داد.

۵. فعالیت‌های خلاقانه: سرگرمی‌های هنری و ورزشی می‌توانند به تخلیه احساسات کمک کنند و به آنها حس موفقیت و کنترل بدهند.

۶. مدیریت استرس: آموزش تکنیک‌های مدیریت استرس به همراه پیوند عبادی با خدای متعال می‌تواند یاری‌رسان ایشان باشد؛ برای نمونه برگزاری نماز جماعت و قرائت دعا در هنگامی که امکان حضور در مسجد و اماکن مذهبی وجود ندارد، می‌تواند راهی برای افزایش تاب‌آوری فرزندان باشد.

۷. دریافت حمایت حرفه‌ای: در صورت مشاهده بی‌قراری درخور توجه در کودک و نوجوان، تشویق به دریافت کمک از مشاوران و روان‌شناسان متخصص و متعهد برای آنهایی که با مشکلات عمیق‌تر مقابله می‌کنند، یکی از راه‌های مهم و ضروری است.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۷ ش.
 ۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۸ ش.
 ۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
1. Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. American Psychologist, 56(3),pp: 227-238.
 2. Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. American Journal of Orthopsychiatry, 71,pp: 290-297.
 3. <https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=51354>.

شرایط جنگی بستری مناسب برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان

حجت الاسلام والمسلمین مسلم موحدی راد*

اشاره

در شرایط حساس و سرنوشت ساز مانند جنگ دوازده روزه اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی و آمریکا، ملت ایران بار دیگر اهمیت مفاهیمی ارزشی چون مقاومت، ایثار، شجاعت، دفاع از وطن و ... را به گونه ای عینی و ملموس تجربه کرد. خانواده ها در چنین برهه هایی به ویژه در برابر پرسش ها و نگرانی های فرزندان قرار می گیرند و به ناچار به انتقال مفاهیم متعالی همچون فداکاری و باور به حقانیت دفاع و می پردازند. بنابراین شرایط جنگی و دفاعی فرصتی کلیدی برای نهادینه کردن مفاهیم ارزشی و متعالی در نسل جدید به شمار می آید. در روایات و سیره معصومان علیهم السلام استفاده از این فرصت مشاهده می شود؛ چنانچه امام علی علیه السلام پس از جنگ صفین، در نامه ای (نامه ۳۱ نهج البلاغه) به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَتِي، وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي...»؛ تو را پاره ای از خود یافتم، بلکه همه خود یافتم، تا آنجا که گویی اگر رنجی به تو رسد، به من رسیده، و اگر مرگ به سراغ تو آید، به سراغ من آمده است...»؛ آن گاه مفاهیم کلیدی را به فرزندان منتقل کردند. چه زیبا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْأَبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ: بهترین میراثی که پدران برای فرزندان بر جای می گذارند، ادب [تربیت نیکو] است، نه ثروت».^۱ حضرت با این بیان، انتقال ادب و آداب صحیح و متعالی را ارزشمندترین میراث معرفی می کنند که نشان دهنده نگاه ژرف اسلامی به تربیت انسانی است؛ از این رو مطلوب بودن نگاه دوراندیشانه

* دانش پژوه سطح چهار مشاوره اسلامی، گرایش خانواده و ازدواج.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۵۰.

به مقوله تربیت فرزند و انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به آنان، از کلمات معصومان علیهم‌السلام به‌خوبی استفاده می‌شود.

این نوشتار با استناد به منابع اسلامی و روان‌شناختی، برخی از مهم‌ترین مفاهیم ارزشی و متعالی اسلامی و شیوه‌های انتقال آنها به فرزندان در شرایط جنگی و دفاعی را بیان می‌کند و راهکارهایی عملی برای خانواده‌ها و مبلغان ارائه می‌دهد.

اهمیت انتقال ارزش‌ها در بحران جنگ و دفاع

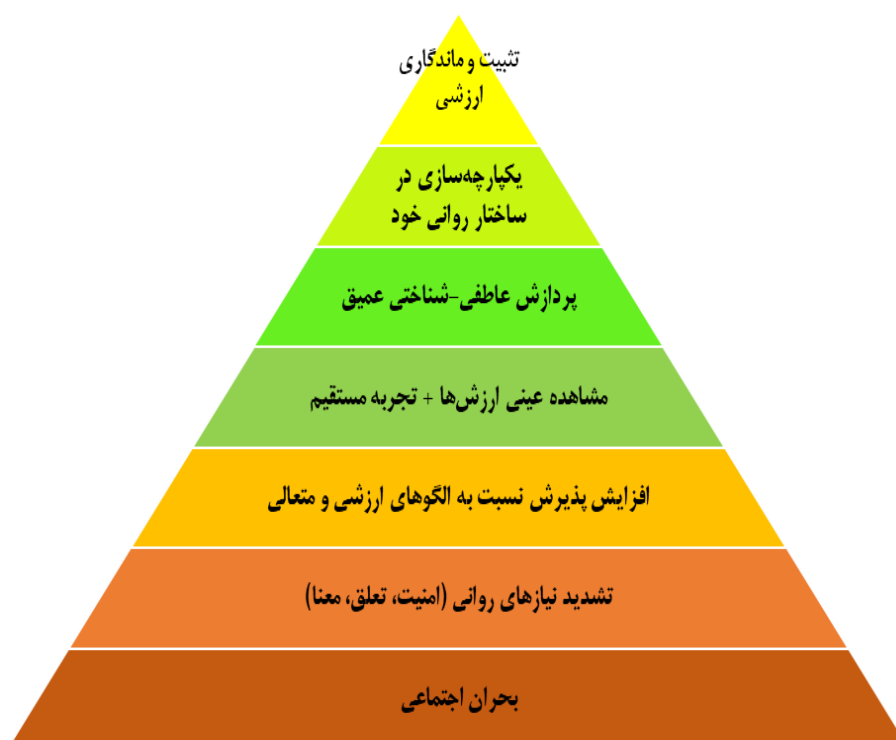
یکی از مهم‌ترین بسترهای تربیتی انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان، شرایط عینی و ملموس ناشی از موقعیت بحرانی و پرمخاطره‌ای است که جامعه در آن قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، مفاهیم انتزاعی چون ایثار، فداکاری، شجاعت، مقاومت و مسئولیت‌پذیری نه تنها در قالب واژه‌ها، بلکه در میدان عمل و تجربه مشاهده‌شدنی و درک‌پذیر هستند. این ویژگی، یعنی عینی و قابل تجربه بودن مفاهیم، زمینه‌ای بسیار مؤثر و غنی برای انتقال ارزش‌ها به کودکان و نوجوانان فراهم می‌آورد.^۱ از منظر روان‌شناختی، این دوره‌ها را می‌توان با تکیه بر نظریه یادگیری مشاهده‌ای تحلیل کرد؛^۲ چراکه فرزندان در این موقعیت نه از طریق آموزش صرف، بلکه با مشاهده رفتار والدین، معلمان، رزمندگان و دیگر الگوهای اجتماعی، مفاهیم ارزشی را به گونه‌ای نهادینه‌شده فرا می‌گیرند و در زمان جنگی و دفاعی، مشاهده‌ها بیشتر و عمیق‌تر می‌شود. درواقع آنان از طریق فرایند همانندسازی با الگوهای رفتاری، به درونی‌سازی این ارزش‌ها می‌پردازند. همچنین دوره‌های بحرانی اجتماعی، بسترهای روانی خاصی را برای پذیرش مفاهیم معنوی و ارزش‌مدار فراهم می‌کنند. هیجان‌های شدید و برانگیختگی روانی ناشی از مواجهه با خطر، فقدان و تهدید، موجب افزایش حساسیت عاطفی و آمادگی ذهنی در کودکان برای پذیرش معنا و ارزش می‌شود.^۳ این مقطع زمانی، به دلیل برخورداری از بار هیجانی بالا و فرصت‌های متعدد برای مشاهده و تجربه مستقیم، یکی از مؤثرترین زمان‌ها برای انتقال مفاهیم متعالی است که در شرایط عادی شاید با این شدت و عمق قابل انتقال نباشد.

۱. مریم فرجی، نقش جنگ در تربیت دینی نوجوانان، ص ۸۴.

2. Bandura, 1977.

3. Erikson, 1968.

الگوی جامع روان‌شناختی انتقال ارزش‌ها در شرایط جنگی و دفاعی را می‌توان در قالب شکل زیر ترسیم کرد:



مهم‌ترین مفاهیم ارزشی و متعالی اسلامی

ارزش یعنی آنچه در نظر آدمی مقدس، گران‌مایه و تحسین‌برانگیز است.^۱ بر این اساس، آنچه در دین اسلام مقدس، گران‌مایه و مورد تحسین است، ارزش محسوب می‌شود. تعالی نیز به معنای موقعیتی پویاست که فرد در آن بر مبنای چارچوب ذهنی متشکل از ارزش‌های اساسی، ایده‌ها و دانش می‌اندیشد، حس می‌کند و رفتار می‌نماید.^۲ در ادامه به مهم‌ترین مفاهیم ارزشی و متعالی در دو قسمت پرداخته می‌شود

۱. مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اعتقاد

۱. علی شیروانی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، ص ۲۰.

۲. محمد ازگلی، «درآمدی بر گونه‌شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب‌های بشری»، ص ۱۶۲.

در این بخش به مفاهیم بلندی چون ایمان، توسل، ولایت‌مداری، راضی‌بودن به قضا و قدر الهی و توجه به معاد اشاره می‌شود.

با تبیین شدن امور ذیل می‌توان بخش مهمی از مفاهیم ارزشی و متعالی را به فرزندان منتقل کرد:

- * علل دفاع در برابر تجاوز دشمن (از حیث عقلی و از بعد شرعی)؛
- * علت ولایت‌پذیری و تأثیر آن در وحدت و انسجام در برابر دشمن؛
- * علت توکل و توسل و تأثیرگذاری عوامل معنوی و ملکوتی بر امور مادی و دنیوی؛
- * علت فداکاری‌ها و نترسیدن رزمندگان از مرگ؛
- * علت آرامش ظاهری و قلبی بزرگان و فرماندهان اسلام با اشاره به ایمان، رضایت به قضا و قدر الهی و اقتدا به معصومان علیهم السلام و نیز با توجه به آثار و عظمت شهادت در دنیا و آخرت؛
- * علت صبر و توجه به گذرآب‌بودن مشکلات و رجحان صبر بر جزع و فزع از لحاظ عقلی، تجربی، شرعی و علمی؛
- * علت تحمل و جان‌فشانی اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب پاکشان در مسیر الهی با توجه به معاد و قیامت و احساس حضور خداوند در همه صحنه‌ها.

تبیین سختی‌ها در قرآن کریم

خداوند متعال می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّنَّهُمْ الْبَاسُ وَالْصَّرَافُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ: آیا پنداشته اید در حالی که هنوز حادثه‌هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می‌شوید؟ به آنان سختی‌ها و آسیب‌هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند، می‌گفتند یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم:] آگاه باشید، به یقین یاری خدا نزدیک است».^۱ این آیه نشان‌دهنده پیوند سختی‌ها و ابتلائات با رشد ایمان است؛ یعنی شما می‌خواهید بدون آنکه مانند گذشتگان گرفتار رنج و مشقت شوید، به بهشت داخل گردید و امتحان و گرفتاری نبینید؛ از این‌رو غیرمستقیم به

صبر دستور می‌دهد.^۱

جمعی از مؤمنان فکر می‌کردند عامل اصلی ورود به بهشت، تنها اظهار ایمان به خداست و به دنبال آن نباید ناراحتی و رنجی را متحمل شوند و بی‌آنکه تلاش و کوششی کنند، خداوند همه کارها را انجام خواهد داد و دشمنان را نابود خواهد کرد؛ اما قرآن در برابر این تفکر نادرست، به سنت همیشگی خداوند اشاره می‌کند و می‌فرماید: «آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث سخت گذشتگان به شما برسد» آیه پیش گفته به یکی از سنت‌های الهی اشاره می‌کند که در همه اقوام جاری بوده است و به مؤمنان در همه قرون و اعصار هشدار می‌دهد که برای پیروزی و موفقیت و نایل شدن به مواهب بهشتی، باید به استقبال مشکلات بروند و فداکاری کنند؛ درحقیقت این مشکلات آزمونی است که مؤمنان را پرورش می‌دهد و صاحبان ایمان راستین را از متظاهران به ایمان جدا می‌کند.^۲

خباب بن ارت از مجاهدان راستین صدر اسلام می‌گوید خدمت پیامبر ﷺ از آزار مشرکان شکایت کردم؛ ایشان فرمود: «امت‌هایی که پیش از شما بودند، با انواع بلاها شکنجه می‌شدند؛ ولی این امر هرگز آنها را از دینشان منصرف نمی‌کرد تا آنجاکه ابره بر سر بعضی از آنها می‌گذاشتند و آنها را به دوپاره تقسیم می‌کردند ... به خدا سوگند که برنامه دین خدا کامل می‌شود و به پیروزی می‌رسد تا آنجاکه یک نفر سوار، فاصله میان صنعا و حضر موت [و بیابان‌های مخوف عربستان را] طی می‌کند و از هیچ چیز جز خدا نمی‌ترسد ...؛ ولی شما عجله می‌کنید».^۳ این سنت دائمی خداست که فتنه‌ها پیش آورد و احدی از مردم به سعادت دین و قرب رب العالمین نمی‌رسد مگر با ثبات و تسلیم. بهشت رضوان و قرب رب العالمین در گرو تحمل سختی‌هاست و سنت الهی در میان امت‌های گذشته در بین امت اسلام تکرار خواهد شد.^۴

نگفتم روزه بسیاری نباید
ریاضت بگذرد سختی سر آید
پس از دشواری آسانی است ناچار
ولیکن آدمی را صبر باید^۵

مولوی در شعری دیگر، اشاره زیبایی به حکمت این امتحانات می‌کند:

۱. حسین نوری همدانی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳. همان.

۴. سید محمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۳۶.

۵. مصلح‌الدین سعدی، سایت گنجور، غزلیات، غزل ۲۷۵.

بهر آن است این ریاضت وین جفا
تا برآرد کوره از نقره جفا
بهر آن است امتحان نیک و بد
تا بجوشد بر سر آرد زر زربد^۱

بنابراین ایمان به خدا و کلام خدا، پذیرفتن ولایت خدا و ولایت‌مداری در برابر اولیای الهی، صبر و استقامت در امتحانات الهی، رضایت قلبی به قضا و قدر الهی و توجه به معاد و آخرت از مفاهیم بلند اعتقادی است که هم ما و هم فرزندان ما با آن روبرو هستیم و برای رشد معنوی و تعالی به آنها نیازمندیم؛ از این‌رو بایسته و شایسته است این مفاهیم در بازه زمانی مشخص، همان‌طور که در شرایط خاص از طرف خداوند متعال به ما منتقل شد، از ما به فرزندانمان منتقل شود تا برای این سنت الهی (امتحانات) آماده شوند.

فرزندان به‌ویژه در نوجوانی به دنبال هویت‌یابی‌اند؛^۲ از این‌رو تجربه‌های واقعی در شرایط بحرانی می‌تواند هویت اعتقادی فرد را منسجم کند. مشاهده ایمان عملی رزمندگان و والدین مؤمن، بستری برای همانندسازی و درونی کردن باورها فراهم می‌کند. بنابراین جنگ و دفاع مقدس به فرصتی برای انتقال مفاهیمی چون توکل، رضا، تسلیم و امید به نصرت الهی تبدیل می‌شود؛ به گونه‌ای که با قلب و جان آن را می‌فهمد و نه صرفاً با ذهن.

۲. مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اخلاق و رفتار

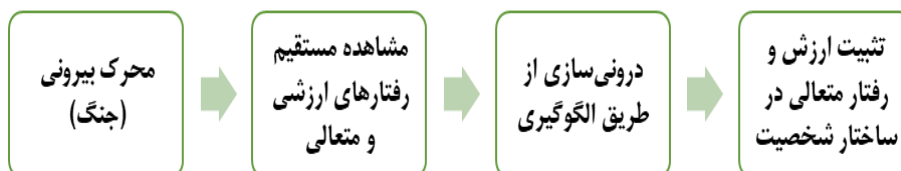
در این بخش به مفاهیم بلندی چون مسئولیت‌پذیری، قرائت قرآن و دعا، تعاون و همبستگی، شجاعت، ایثار، تلاش و کوشش اشاره می‌شود. در شرایط جنگی و دفاعی، اخلاق و رفتارهایی چون ایثار و تلاش، شجاعت، انضباط و مسئولیت‌پذیری، دعا و قرائت قرآن، تعاون و همبستگی به شکل برجسته و واقعی در جامعه بروز می‌یابند و این عینیت رفتاری، بستری بسیار مؤثر برای آموزش عملی ارزش‌ها به فرزندان است. الگوهای اخلاقی رفتاری مشاهده‌پذیر در موقعیت‌های واقعی، بیش از هر آموزش کلامی مؤثرند. فرزندان با دیدن عملکرد والدین، رزمندگان، امدادگران و حتی همسالان خود، به تقلید و درونی‌سازی این ارزش‌ها می‌پردازند. این نوع یادگیری، به مراتب عمیق‌تر، ماندگارتر و مؤثرتر از هر گفتاری است.

۱. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، سایت گنجور. در دیدگاه مولوی، ریاضت‌کشیدن و تحمل سختی‌ها، امتحان خداوند است؛ برای اینکه مؤمن مانند نقره و طلا در کوره ذوب شود و ناخالصی‌اش برطرف شود.

2. Erikson, 1968.

مشاهده همبستگی شگفت‌انگیز ملی، مسئولیت‌پذیری، شجاعت و ایثارگری، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، تمسک به قرآن و دعا، ایمان قوی و ولایت‌پذیری مردم شریف ایران و رزمندگان جبهه اسلام مانند سردار حاج قاسم سلیمانی، شهید سیدحسین نصرالله، سردار حاجی‌زاده، شهید سلامی، شهید باقری و ...، نیز تبیین و روشن کردن این موارد به روش‌های گوناگونی که در بخش بعد بیان می‌شود، می‌تواند مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اخلاق و رفتار را در این زمان کلیدی به فرزندان انتقال دهد.

طرح کلی تأثیر روان‌شناختی انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اخلاق و رفتار به فرزندان در زمان جنگ و دفاع را می‌توان در قالب شکل زیر ترسیم کرد:



در جنگ اُحد، هنگامی که مسلمانان در موقعیت دشواری قرار گرفتند و برخی از یاران پیامبر ﷺ شهید شدند، مسلمانان شاهد صبر و مقاومت حضرت علی علیه السلام و برخی یاران بودند. عمومی پیامبر، حمزه علیه السلام در این جنگ شهید شد؛ هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله جسد عمومی را دید، با قلب اندوهگین و رنجور فرمود: «رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا عَمُّ، فَلَقَدْ كُنْتُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَعَوْلًا لِلْخَيْرَاتِ: خدا تو را رحمت کند عمو، تو با خویشاوندان خود مهربان بودی و بسیار کارهای نیک انجام می‌دادی».^۱ افراد حاضر در صحنه، تجربه واقعی صبر در مصیبت، ایمان در سختی و محبت به اقوام و آشنایان را هم‌زمان با تسلیم در برابر اراده الهی مشاهده کردند. مشاهده تجارب مشابه برای فرزندان، می‌تواند رفتارهای ارزشی و متعالی را در وجودشان نهادینه کند.

۲-۱. شیوه انتقال ارزش‌ها را به فرزندان

برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی در شرایط جنگ و دفاع، ترکیبی از روش‌های تجربی و مشارکتی، الگویی و روایی می‌تواند مؤثر واقع شود. از منظر روان‌شناسی، روش‌هایی که هیجان، تجربه، و تعامل را دربر می‌گیرند، بیشترین اثرگذاری را در حافظه عاطفی و شناختی کودک و

۱. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۱۰۶.

نوجوان دارند.^۱

الف) روش‌های تجربی و مشارکتی

روش‌های تجربی و مشارکتی بر اساس یادگیری عملی، مستقیم و تعامل فعال فرزندان در فرایند یادگیری ارزش‌ها متمرکز است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ: و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید؛ و از خدا پروا کنید».^۲ خداوند در این آیه بر اهمیت مشارکت، همکاری و تجربه مشترک در انجام ارزش‌های الهی توصیه می‌کند. این روش‌ها در شرایط دفاع مقدس، شامل تجربه و مشارکت فرزندان در فعالیت‌های عملی نظیر کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان، همکاری دفاعی و اطلاعاتی با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، انجام رفتارها و کمک‌های نشان‌دهنده همبستگی ملی و دینی، مشارکت در برنامه‌های حمایتی از خانواده‌های شهدا و جانبازان، شرکت‌دادن فرزندان در انجام بسته‌بندی کمک‌های مردمی، حضور فعال کودک در مراسم جمعی چون راهپیمایی‌ها، تشویق به نقاشی و نوشتن درباره ارزش‌ها، انجام بازی‌های نقش‌آفرینی و دیگر رفتارهای ارزشی و متعالی می‌شود. همچنین دعوت از فرزندان برای بیان نظرات و احساساتشان و ایجاد محیطی که در آن بتوانند پرسش‌های خود را طرح کنند، از روش‌های مشارکتی به شمار می‌آید.

مرد خردمند هنر پیشه را
عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن
در دگری تجربه بردن به کار

ب) روش‌های الگویی

انتقال از طریق الگو و نمونه یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی و انتقال مفاهیم محسوب می‌شود. از آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ: به یقین برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است»^۳ به روشنی روش الگویی در انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به دست می‌آید. والدین و بزرگسالان خانواده با تبیین و روشن کردن باورهای ارزشی و متعالی و نمایش رفتارهای ارزشمند، می‌توانند بهترین الگوهای یادگیری برای فرزندان باشند. کودکان

1. Bandura, 1977.

۲. مانند: ۲.

۳. احزاب: ۲۲.

ارزش‌ها و آداب گروه اجتماعی یا فرهنگی خاصی را از طریق تقلید و الگوگیری از رفتار بزرگسالان اطراف آنها یاد می‌گیرند. الگو بودن والدین و اطرافیانی که در چشم فرزندان بزرگ و مهم هستند و ملتزم به مفاهیم ارزشی و متعالی اعتقادی (ایمان و توکل، توسل، ولایت‌مداری، صبر، راضی‌بودن به قضا و قدر الهی، توجه به معاد) و رفتاری (مسئولیت‌پذیری، قرائت قرآن، دعا، تعاون و همبستگی، شجاعت، ایثار، تلاش و کوشش میدانی) هستند، می‌تواند انتقال‌دهنده‌ای قوی به فرزندان باشد. نکته درخور توجه اینکه الگوها و همانندی با آنها در التزام به ارزش‌ها، باید در دسترس تعریف شوند؛ یعنی به گونه‌ای که حس «ما هم می‌توانیم شبیه آنها شویم» به فرزندان القا و منتقل شود و نه خارج از دسترس، به شکل اسطوره‌هایی که حس نبود توانایی شباهت به آنها به فرزندان انتقال یابد.

مباد، از اسوه ما اسطوره سازیم ز او ما بهر خود افسانه سازیم
شهیدان اسوه و الگوی ایثار جفا باشد به خود بیگانه سازیم^۱

ج) روش‌های روایی

قصه‌گویی و روایت یکی از کهن‌ترین و مؤثرترین روش‌های انتقال ارزش‌هاست. خداوند متعال می‌فرماید: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ: ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو بازگو می‌کنیم».^۲ این آیه بر اهمیت روایت و قصه در انتقال پیام‌های ارزشی تأکید می‌کند. در شرایط دفاع مقدس، روایت مبارزات انبیا و معصومان علیهم‌السلام، خاطرات جنگ، قصه‌های شهدا و مدافعان و به طور کلی نقل داستان‌های واقعی (از ایمان و توکل، توسل، ولایت‌مداری، و ...)، بستر مناسبی برای درونی‌سازی مفاهیم ارزشی فراهم می‌کند. استفاده از شعر و ادبیات، موسیقی و هنرهای تجسمی مانند تولید کتاب‌های مصوّر با موضوع مقاومت برای کودکان و نوجوانان، انیمیشن با موضوع مفاهیم ارزشی و پادکست‌های داستانی برای کودکان و نوجوانان نیز بخشی از روش‌های روایی به شمار می‌آید.

نکته قابل توجه در انتقال مفاهیم

برای افزایش انتقال مفاهیم، توجه به امور ذیل اهمیت ویژه‌ای دارد:

۱. سلیمان ابوالقاسمی، دفتر سوم شعر، سایت شعر نو.

۲. یوسف: ۳.

* رعایت اختصار (پرهیز از طولانی کردن کلام)؛
 * رعایت ترتیب اهمیت (تقدم مفاهیم ارزشی و متعالی اعتقادی بر مفاهیم ارزشی و متعالی رفتاری)؛

* بیان تدریجی (رعایت اصل تدریج در انتقال مفاهیم)؛

* میانه‌روی (پرهیز از افراط و تفریط)؛

* روش عملی (تمرین عملی مفاهیم منتقل شده)؛

* تکرار پیام در مواقع ضروری.^۱

تا ز لعبت اندک اندک در صبا جانش گردد با یم عقل آشنا
 عقل از آن بازی همی یابد صبی گرچه با عقل است در ظاهر ابی^۲

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه، قاهره: داراحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ ق.

۲. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.

۳. ابن‌میثم بحرانی، کمال‌الدین، شرح نهج‌البلاغه، قم: مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۷ ق.

۴. ازگلی، محمد، «درآمدی بر گونه‌شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب‌های بشری»، دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دانشگاه جامع امام حسین علیهم‌السلام، س ۴، ش ۲، ۱۳۹۱ ش.

۵. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۶. سید رضی، نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: دارالهجرة، ۱۳۸۷ ق.

۷. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.

۱. محمد رسول نجات‌پور، «الگوی تبلیغ مؤثر با نگرش به منابع اسلامی»، ص ۱۱۸-۱۳۱.

۲. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، سایت گنج‌جور.

شرایط جنگی بستری مناسب برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان ■ ۱۰۹

۸. شیخ مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. چ ۲، [بی جا]: دارالمفید، ۱۴۱۳ ق.

۹. شیروانی، علی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم: دارالفکر، ۱۳۷۹ ش.

۱۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج. قم: نشر مرتضی، ۱۴۰۷ ق.

۱۱. فرجی، مریم، نقش جنگ در تربیت دینی نوجوانان، چ ۲، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۵ ش.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۱۵. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ ش.

۱۶. نجات پور، محمدرسول، «الگوی تبلیغ مؤثر با نگرش به منابع اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد مؤسسه امام خمینی (ره) قم، ۱۴۰۲ ش.

۱۷. نوری همدانی، حسین، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی، [بی تا].

1. Bandura, A. Social Learning Theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, 1977, p. 22,89.
2. Erikson, E. H. Identity: Youth and Crisis. New York: W. W. Norton & Company, 1968, p. 128.
3. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=58343&https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=43606>.
4. <https://sheren.com/list/%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87%C2%A0%DB%8C%C2%A0%D8%A7%D8%B3%D9%88%D9%87.html>.

هفت درس کاربردی از زندگی رسول رحمت ﷺ

حجت الاسلام والمسلمین دکتر اصغر آیتی *

اشاره

حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران الهی، الگو و اسوه‌ای کامل، عاری از هرگونه عیب و خطا برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها و در تمام موضوعات است که خدایش درباره او فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا: به یقین برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود؛ برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند»^۱.

اخلاق انسانی و ملکات عالیّه رسول اکرم ﷺ در زمانی کوتاه چنان گسترش یافت و در دل مسلمانان صدر اول ریشه دوانید که از هیچ همه چیز درست کرد. او کبریای عرب را به تواضع، قساوت را به رأفت، پراکندگی را به یگانگی، جدایی را به همبستگی، کفر را به ایمان، بت‌پرستی را به توحید، بی‌پروایی را به عفت، انتقام‌جویی را به بخشایش، بیکارگی را به کار و کوشش، خودخواهی را به نوع‌دوستی، درشتی را به نرم‌خویی، بخل را به ایثار و سفاهت را به عقل و درایت بدل کرد.

در این نوشتار کوتاه، به بازخوانی درس‌هایی از زندگی و رفتار بی‌نظیر پیامبر ﷺ می‌نشینیم با این امید که بتوانیم پیروانی راستین برای حضرتش باشیم.

درس اول: تکیه بر نیروی الهی و هنر برنامه‌ریزی، ترکیبی برای موفقیت

پیامبر اعظم ﷺ با تدبیر و سازماندهی بی‌نظیر خود، روحیه‌ای قوی به مسلمانان می‌بخشید و به آنها یاد می‌داد که در سخت‌ترین لحظات زندگی، باید به خدای سبحان تکیه کنند. اما در کنار

* دانش‌آموخته دکترای قرآن و مدیریت.

چنین اقداماتی، تکیه اصلی‌اش به خدای سبحان بود و مسلمانان را نیز این‌گونه تربیت می‌کرد که در لحظات بحرانی از توجه و تضرع به خدای سبحان غفلت نکنند و در بحران‌ها، به خداوند توجه کنند و با ایمان و امید به او، بر چالش‌ها و سختی‌ها برتری یابند.

دعایی که زود به اجابت رسید

پیامبر ﷺ در جنگ بدر و پس از نظم‌دادن لشکر مسلمانان و انجام‌دادن همه اقدامات لازم برای پیروزی بر جبهه کفر، به یاران خود که سیصد و چند نفر بودند نگریست، سپس به مشرکان نگاه کرد که حدود هزار نفر بودند و درحالی‌که ردا و ازاری بر تن داشت، رو به قبله ایستاد، دست‌هایش را به سمت آسمان کشید و گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِرْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ أَنْجِرْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ تُهْلِكَ هَذِهِ الْعِصَابَةَ مِنَ الْإِسْلَامِ فَلَا تُعْبَدُ فِي الْأَرْضِ أَبَدًا: خدایا، وعده‌ای را که به من داده‌ای، عملی گردان. بار خدایا، وعده‌ای را که به من داده‌ای، عملی گردان. پروردگارا، اگر این گروه مسلمان از بین بروند، دیگر هرگز بر روی زمین پرستش نخواهی شد.»^۱ از نکته‌های برجسته در این جنگ، استجابت دعا و اعجاز پیامبر اکرم ﷺ بود. به گفته ابن‌سعد، پیامبر هنگام حرکت برای پیادگان، برهنگان، گرسنگان و نیازمندان دعا کردند. اثر این دعا به گونه‌ای بود که هنگام برگشت از جنگ، همه مسلمانان سوار بر حیوانات بودند، برهنگان لباس پوشیدند، گرسنگان سیر شدند و فقیران آنان از فدیة اسیران به ثروت رسیدند.^۲ همچنین نقل شده است هنگام رفتن به بدر، شتر یکی از سپاهیان از راه‌رفتن بازمانده بود. پیامبر ﷺ آب وضوی خود را به بدن آن شتر پاشید و شتر به حرکت درآمد.^۳

نکته: چقدر در زندگی با خدا گفتگو می‌کنیم؟ با او خلوت داریم؟ در کارها و رفتاری‌ها به او توجه داریم؟

درس دوم: حمایت و دفاع خدای متعال از پیامبرش (با خدا باش و پادشاهی کن)

مشرکان و دشمنان اسلام به‌ویژه در زمان پیامبر خاتم ﷺ، برای مقابله با گسترش دین اسلام و شخصیت پیامبر از روش‌های مختلفی استفاده می‌کردند؛ از جمله ایجاد ترور روانی که به

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۰۷؛ علاءالدین علی بن حسام هندی، کنز العمال، ح ۲۹۹۳۹.

۲. محمد بن سعد، الطبقات، ج ۲، ص ۱۴.

۳. تقی‌الدین مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۹۳.

معنای تخریب وجهه و شخصیت پیامبر در نظر مردم بود. این افراد با شایعات، تهمت‌ها و افتراها می‌کوشیدند از اعتماد مردم به پیامبر بکاهند و به این ترتیب، مانع از گسترش اسلام شوند. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل اهانت‌ها و جسارت‌ها با صبوری، به وظیفه خود عمل کرد؛ خدای متعال نیز در مقابل این اهانت‌ها به چنین پیامبری مباحات می‌ورزید و از او در برابر دشنام‌ها و جسارت‌ها دفاع می‌کرد. در ادامه به نمونه‌هایی از رفتار خداوند در برابر جسارت‌های دشمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کنیم:

(الف) به پیامبر گفتند: «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ»؛ به‌یقین تو دیوانه‌ای؛^۱ ولی خداوند فرمود: «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ»؛ به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی.^۲

(ب) به آن حضرت گفتند: «لَسْتَ مُرْسَلًا»؛ تو فرستاده خداوند نیستی؛^۳ خداوند فرمود: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ به‌یقین تو از پیامبرانی.^۴

(ج) به حضرت نسبت شاعری و خیال‌بافی دادند: «لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ»؛^۵ اما خداوند فرمود: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ»؛ ما هرگز شعر به او [پیامبر] نیاموختیم و شایسته او نیست [شاعر باشد].^۶

(د) سخنان پیامبر را دروغ و افترا نامیدند: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ»؛ ولی خدا فرمود: «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ»؛ [اگر چنین است] یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار فراخوانید.^۷

(ه) به آن حضرت ابتر گفتند؛ اما خداوند فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»؛ به‌یقین دشمن تو بریده‌نسل و بی‌عقب است.^۸

علامه طباطبایی هدف از نزول سوره «شعرا» را تسلا‌ی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر تکذیب

۱. حجر: ۶.

۲. قلم: ۲.

۳. رعد: ۴۳.

۴. یس: ۳.

۵. صافات: ۳۶.

۶. یس: ۶۹.

۷. احقاف: ۸.

۸. بقره: ۲۳.

۹. کوثر: ۳.

مردم و نسبت‌های ناروا به آن بزرگوار می‌داند و خدای متعال به این منظور، چند داستان از اقوام گذشته و سرنوشت آنان و کیفرشان را به دلیل تکذیب پیامبران گوشزد می‌کند.^۱

نکته: آیا می‌دانیم که اگر برای خدا باشیم و به وظیفه خود عمل کنیم، خدا با ما خواهد بود؟

درس سوم: اخلاقی فراتر از کلمات

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله که مبعوث شده بود تا مکارم اخلاق را در میان مردم کامل و شایع کند، نمونه و الگوی مکارم اخلاقی برای تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها شد. آن حضرت در جایگاه بهترین و کامل‌ترین اسوه راستین بشر، در برابر تمام مردم بسیار دلسوز، صمیمی و مهربان بود. آن حضرت در راستای متخلق بودن به اخلاق و کردار کریمانه توانست در طول ۲۳ سال نبوت خود دل‌های گمراه بسیاری را شیفته خود و مکتب اسلام کند.

داستان: اخلاق پیامبر را برایم توصیف کن

مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کرد که اخلاق پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله را برایش بشمارد. حضرت علیه السلام فرمودند: «تو نعمت‌های خدا را بشمار تا من نیز اخلاق آن جناب را برایت بشمارم». آن مرد گفت چگونه ممکن است نعمت‌های خدا را شمارش کرد، با این‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا».^۲ امام علیه السلام فرمودند: «خداوند تمام نعمت دنیا را قلیل دانسته و فرموده است: "قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ"»^۳ درحالی‌که اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را عظیم برشمرده شده است و می‌فرماید: "وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ"»^۴ و

البته مشخص است امام علیه السلام در پی بیان عظمت اخلاق و رفتار پسندیده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند، نه اینکه نتوان آن را تبیین و توصیف کرد؛ همان‌گونه که ایشان در مناسبات گوناگون به توصیف اخلاق والای حبیب و مولای خود رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پرداختند؛ از جمله در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَهُوَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، أَجْوَدُ النَّاسِ كَفًّا وَأَرْحَبُ النَّاسِ صَدْرًا وَأَصْدَقُ النَّاسِ لَهْجَةً وَأَوْفَى النَّاسِ ذِمَّةً وَآلَيْنُهُمْ عَرِيكَةً وَآكْرَمُهُمْ عَشْرَةً مَنْ رَأَاهُ بِدِيَهَةٍ هَابَهُ وَ مَنْ خَالَطَهُ مَعْرِفَةً أَحَبَّهُ يَقُولُ

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۲. «اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد» (ابراهیم: ۳۴).

۳. نساء: ۷۷.

۴. قلم: ۴.

۵. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۲۲۲.

نَاعِثُهُ: لَمْ أَرْقُبْهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ: او که خاتم پیامبران بود، بخشنده‌ترین، پر حوصله‌ترین، راستگو‌ترین، پایبندترین مردم به عهد و پیمان، نرم‌خوترین و خوش‌مصاحبت‌ترین مردم بود. هر کسی بدون سابقه قبلی او را می‌دید، هیبتش او را می‌گرفت و هر کسی با او معاشرت می‌کرد و او را می‌شناخت، دوستدارش می‌شد و هر کسی می‌خواست او را تعریف کند، می‌گفت نظیر او را پیش از او و پس از او ندیده‌ام»^۱.

نکته: چقدر پیامبران را شناخته‌ایم و از زندگی و رفتار او درس گرفته‌ایم؟

درس چهارم: توجه به عدالت و گسترش آن در جامعه

عدالت‌گستری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از اصول اساسی و محوری در رفتار، سیره و حکومت ایشان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در برخورد با مردم، اجرای قانون و برقراری عدالت اجتماعی، هیچ‌گاه کوتاهی نکردند و همواره تأکید داشتند که عدالت باید در مورد همه حتی نزدیک‌ترین افراد به ایشان اجرا شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف مؤمنان حقیقی می‌فرمایند: «لَا يَجُورُ وَلَا يَغْتَدِي: نه ستم می‌کند و نه تجاوز»^۲. او حتی با دشمنش به رعایت حق می‌پردازد: «وَلَا يَرْدُّ الْحَقَّ عَلَى عَدُوِّهِ: و در مقابله با او حق را پایمال نمی‌کند».

پیامبر صلی الله علیه و آله عادل‌ترین مردم را این‌گونه معرفی می‌کند: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ: عادل‌ترین مردم، کسی است که برای مردم همان را بپسندد که برای خود می‌پسندد و برای آنان نپسندد آنچه را برای خود نمی‌پسندد»^۳.

داستان: رشوه یا هدیه و برکناری فرماندار

در تاریخ زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که به ایشان خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته است، حضرت برآشفته و به او فرمود: چرا آنچه حق تو نیست، می‌گیری؟ او در پاسخ با معذرت‌خواهی گفت: آنچه گرفتم، هدیه بود ای پیامبر خدا. رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه‌ای می‌دهند؟» سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت‌المال قرار دادند و وی را از کار

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹۰.

۲. همان، ج ۶۴، ص ۳۱۱.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۳۴۰.

برکنار کرد.^۱

نکته: در مسئولیت‌های کوچکی که داریم، آیا توانسته‌ایم به عدالت رفتار کنیم؟

درس پنجم: تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ

تواضع یکی از آداب و سنن پسندیده و از ویژگی‌های انسان متخلق به اخلاق نیک است. رسول خدا ﷺ نیز که در بندگی سرآمد روزگار بود، در تواضع و فروتنی نیز برترین نمونه تواضع با مردم زمانش به شمار می‌آمد. آن حضرت با آنکه والاترین مقام و مرتبه را نزد خدای متعال و مردم داشت، هرگز جز تواضع در برخورد با مردم از او دیده نشد. یکی از مهم‌ترین رازهای رفعت و محبوبیت پیامبر رحمت ﷺ را در همین قضیه می‌توان جستجو کرد. رسول اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعُكُمُ اللَّهُ: تواضع و فروتنی وسیله سربلندی و سرافرازی است؛ تواضع کنید تا خدای متعال مقام شما را بلند گرداند».^۲

ملای رومی گوید:

آب از بالا به پستی در رود	آن‌گه از پستی به بالا بر رود
گندم از بالا بزیر خاک شد	بعد از آن او خوشه چالاک شد
دانه هر میوه آمد در زمین	بعد از آن سرها برآورد از دفین
از تواضع چون به گردون شد به زیر	گشت جزو آدمی حی دلیر
پس صفات آدمی شد آن جماد	بر فراز عرش پُران گشت شاد
کز جهان زنده زاول آمدیم	باز از پستی سوی بالا شدیم ^۳

پیامبر اکرم ﷺ به حکم آیه شریفه «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ: و بال [عطوفت] خود را برای مؤمنان فرود آر»^۴ در قلّه تواضع قرار داشت؛ از این‌رو در توصیف ایشان می‌خوانیم: «كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضِعًا فِي عُلُوِّ مَنْصِبِهِ»؛^۵ یعنی با اینکه ایشان از مقام فوق‌العاده والایی

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ص ۴۰۴.

۴. حجر: ۸۸.

۵. محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۵۱.

برخوردار بود، بیشترین تواضع را داشت. ایشان بر خاک می نشست و غذا می خورد و می فرمود: «من بنده‌ام و همچون بندگان غذا می خورم و همچون آنان می نشینم».^۱ همچنین می فرمود: «پنج چیز است که تا دم مرگ از آنها دست بر نمی دارم: روی زمین با بردگان غذا خوردن، بر الاغ بی پالان سوار شدن، شیر بز با دست خود دوشیدن، لباس پشمینه پوشیدن و به کودکان سلام کردن تا آنکه پس از من سنت شود».^۲

نکته: چرا گاهی با کوچک‌ترین مسئولیت خود را گم می کنیم و با فخرفروشی مواجه می شویم؟

درس ششم: رفتار مردمی

از مصادیق بارز خلق عظیم و رفتار کریمانه رسول رحمت ﷺ، رفتار مردمی است که بیان‌کننده دوری ایشان از تکبر بود. ایشان که از مردم و با مردم بود، بسیار مهربان، دلسوز و همیشه همراه با مردم بود و در این همراهی همواره به دنبال ایجاد صمیمیت و الفت با آنها بودند. جاذبه شخصیتی ایشان تا حد زیادی مرهون رفتار محبت‌آمیز با مردم و ارزش قائل شدن به انسان‌ها بود. کسی که در غم و شادی و راحت و رنج همراه با آنها بود و خود را از آنان جدا نمی دانست و جدا نکرد؛ به همین دلیل توانست قلعه دل‌ها را فتح کند. در روایات نقل شده است رسول خدا ﷺ به تشییع جنازه می رفت و در دورترین نقطه شهر «مدینه» به عیادت مریض می پرداخت. گاهی فرزندان خردسال را به حضور پیامبر می آوردند تا برای تبرک و برکت یافتن، از خدا برای او خیر و نیکی بخواهد یا نام‌گذاری کند؛ رسول خدا ﷺ نیز برای دلجویی بستگان آن فرزند، او را می گرفت و در دامن خویش می نهاد؛ حتی گاهی در همان لحظه، بچه لباس پیامبر را نجس می کرد، اما پیامبر به روی خودشان نمی آوردند و این‌گونه مردم با تمام وجود پیامبر را دوست داشتند.

از نشانه‌های دیگر مردمی بودن حضرت این بود که کارهای شخصی درون خانه را خودش انجام می داد، شتر را تغذیه می کرد، خانه را جارو می زد، شیر گوسفند را می دوشید، کفشش را تعمیر می کرد، لباسش را وصله می زد و ...^۳

۱. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. شیخ صدوق، خصال، ص ۲۷۱.

۳. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۸، ص ۲۰۹.

نمونه‌ای تاریخی

در ماجرای صلح حدیبیه، عروه بن مسعود که به نمایندگی از قریش برای مذاکره با پیامبر ﷺ آمده بود، به سران قریش چنین گزارش داد: «من شاهان بزرگ را دیده‌ام، قدرت‌های بزرگی مانند قدرت کسری، قیصر روم، سلطان حبشه را مشاهده کرده‌ام و موقعیت هیچ‌کدام را میان قوم خود مانند محمد ندیده‌ام. من با دیدگان خود دیدم که یاران او نگذاشتند قطره‌آبی از وضوی او به زمین بریزد و برای تبرک آن را تقسیم نمودند. اگر مویی از محمد بیفتد، به سرعت آن را برمی‌دارند؛ بنابراین سران قریش باید در این موقعیت فکر و تأمل کنند».^۱

نکته: آیا با همسر، فرزندان، اقوام، اهل محل و همکاران هم‌زیستی متواضعانه داریم؟

درس هفتم: امانت‌داری

امانت‌داری و نگاه‌داری حقوق مالی و غیرمالی دیگران بر اساس اعتمادی که به انسان کرده‌اند، یکی از صفات انبیا و از جمله بهترین فضایل اخلاقی و رفتارهای پسندیده و ارزشمند انسانی است و نیز از خصلت‌های نیکویی است که خدای سبحان به صورت مکرر آن را برای پیامبرانش بیان کرده است و می‌فرماید: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ: به یقین من برای شما پیامبری امین هستم».^۲

از ویژگی‌های برجسته مؤمنان و نمازگزاران واقعی نیز همین خصلت بیان شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ: و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند».^۳

وجود مبارک پیامبر اکرم ﷺ نه تنها بعد از رسالت، بلکه در زمان جاهلیت نیز به امانت‌داری مشهور بود و «محمد امین» خوانده می‌شد. ابن‌سعد تاریخ‌نگار قرن سوم قمری در کتاب الطبقات الکبری می‌نویسد: «از بس که ویژگی‌های نیکو در پیامبر خدا ﷺ به کمال رسیده بود، در مکه نامی جز امین نداشت».^۴ امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام در شدت امانت‌داری حبیب و مولای خود رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بار خدایا... شریف‌ترین درودها و بالنده‌ترین برکت‌های خود را بر محمد فرست... به پاس آنکه بار نبوت بر دوش او نهاده شد و او آن را با نیرومندی تمام به منزل رساند، به اجرای فرمانت برخاست و در طلب خشنودیت شتافت، بی‌آنکه از تاختن به پیش بهراسد و در هیچ تصمیمی سستی کند. وحی تو را به‌خوبی دریافت، عهد تو را حفظ کرد و در

۱. ر.ک به: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲. شعراء: ۱۰۷.

۳. مؤمنون: ۸؛ معارج: ۳۲.

۴. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۶.

اجرای فرمانت گام نهاد».^۱ همچنین در شدت اهمیت این خصلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات عمرش سه بار به من فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ حَتَّى فِي الْحَيْطِ وَالْمَخِيطِ: ای ابوالحسن، ادا نما امانت را در برابر افراد نیکوکار و بدکار، در آنچه که کم ارزش باشد یا باارزش، حتی در مورد نخ و سوزن».^۲

نمونه تاریخی

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله با پیروزی کامل وارد شهر مکه شد، عثمان بن طلحه را احضار کرد که کلیددار کعبه بود؛ سپس کلید را از او گرفت تا درون کعبه را از وجود بت‌ها پاک کند. پس از آن، عباس عموی پیامبر تقاضا کرد کلید خانه خدا را از او بگیرد و مقام کلیدداری بیت‌الله که در میان عرب مقامی برجسته و شامخ بود، به او سپرده شود؛ ولی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برخلاف این تقاضا، پس از تطهیر خانه کعبه از لوث بت‌ها، در خانه را بست و کلید را به عثمان بن طلحه برگردانید و آیه ادا امانت را تلاوت فرمود.^۳

نکته: گاهی دیگران را به خیانت در امانت متهم می‌کنیم؛ آیا ما به امانت‌هایی که در اختیارمان قرار دارد، توجه داریم؟ در آنها خیانت نکرده‌ایم؟ امانت‌هایی مانند فرزندان، خانواده و ...

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲. بیهقی، أبوبکر، دلائل النبوة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، چاپ اول، قم:

۱. نهج البلاغة، خطبة ۷۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۳.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۲۹.

- هجرت، ۱۴۱۴ق.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۹. فیض کاشانی، محسن، المحجة البیضاء، قم: اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: نشر دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۱۱. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تصحیح: سید هاشم محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۱۴. مقریزی، تقی الدین، إمتاع الأسماع، بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا].
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۱۶. مولوی، جلال الدین، مثنوی معنوی، تصحیح: نیکلسون، تهران: امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۱ش.
۱۷. واقدی، محمد بن سعد کاتب، الطبقات الکبری، تحقیق: عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام

فرج الله میرعرب*

اشاره

جامعه در نگرش اخلاق اسلامی، یک خانواده است که همه اعضای آن مراقب احوالات هم هستند و خود را در برابر مشکلات و نگرانی‌های اعضای آن مسئول می‌دانند. در اخلاق اسلامی، اعضای خانواده با «مواسات» غمخوار، همدرد و دغدغه‌مند یکدیگرند که به این رفتار بسیار سفارش و توصیه شده است.

مواسات از ریشه «أسو» به معنای بخشیدن از مال خود و شریک کردن دیگران در داشته‌های خود است. مواسات از نظر مالی، زمانی است که شخص از کفاف (مورد نیاز) خود به کسی ببخشد؛ بنابراین اگر کسی افزون بر نیاز و کفاف خود داشته باشد و از آن به کسی بدهد، با اینکه نیکی و بخشش کرده است، مواسات نیست.^۱ مواسات در جامعه اسلامی همان است که رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا أَشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَالسَّهَرِ: مُؤْمِنَانِ مِنْهُ مَهْرُورِزِي وَعُطُوفَتُهُ فِي بَرَابَرِ يَكْدِيْغَرٍ مَّانَنْدِ يَكْ جَسَدٍ وَجَسْمِ هَسْتَنْدِ كِه هِرْگَاهِ عَضْوِيْ از آن دِچارِ دَرْدِ شُودِ وَ از آزاری بِنَالِدِ، دِیْگَرِ اَعْضَا [از راه تب و بیداری و ناراحتی] هَمْدَرْدِیْ خُودِ را بَا آن عَضْوِ اِبْرَازِ می‌کَنْنَدِ وَ بِهْ کَمْکَشِ می‌شْتَابَنْدِ».^۲

بنابراین انسان «مواسی» کسی است که با دیگران همدردی و همراهی دارد و در رنج و غم

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۹۹.

۲. محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۲۲۷.

دیگران واقعاً و با تمام وجود شریک است و با مال و جان از آنها دفاع می‌کند و میان خود و دیگران فرقی نمی‌گذارد. رهبر معظم انقلاب، مواسات را همراهی و کمک به مؤمنان در همه امور می‌داند^۱ و در بیانی مقصود خود را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن، به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسان‌هایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر اینکه یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است».^۲

سعدی نیز گفته است:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی^۳

اخلاص در مواسات

عمل ارزشمند مواسات همانند همه اعمال خیر باید برای رضای خدا انجام شود، وگرنه ارزشی ندارد. امام صادق علیه السلام از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ: آقای اعمال [سه چیز است]: ۱. مراعات انصاف در ارتباط با مردم از جانب خود؛ ۲. مواسات با برادران در راه خدا و برای رضای او؛ ۳. یاد خدای عزوجل در همه احوالات».^۴

مواسات و دغدغه‌مندی رنج دیگران در قرآن

خداوند متعال در قرآن، همه مؤمنان را با هم برادر می‌خواند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»^۵ و در تکمیل این رهنمود می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَغْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۶؛ یعنی

۱. امام خامنه‌ای، سخنرانی، ۱۳۸۶/۶/۳۱.

۲. امام خامنه‌ای، سخنرانی، ۱۳۸۱/۹/۱۵.

۳. مصلح‌الدین سعدی، گلستان، باب اول در سیرت پادشاهان، حکایت ۱۰.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۵.

۵. حجرات: ۱۰.

۶. معارج: ۲۴ - ۲۵.

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام ■ ۱۲۳

نمازگزاران واقعی کسانی هستند که نیازمندان درخواست کننده و محرومانی که توان سؤال ندارند، از دارایی آنان بهره و نصیبی دارند.

بنابراین سیرکردن گرسنه و همراهی با نیازمندان بر هر دارا و متمکنی واجب است. آیت الله جوادی آملی نوشته اند: «حال اگر کسی به تنهایی از گرسنگی تهیدستی باخبر بود، بر او واجب عینی است و اگر دیگران نیز بدانند، بر همه واجب کفایی است».^۱

اقسام مواسات

مواسات را به چند دسته کلی می توان تقسیم کرد؛ چنان که امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَأَتُوا الزَّكَاةَ: زَكَاتٍ دَهِيْدًا»^۲، این دستور را برای مواسات و همدردی با نیازمندان دانسته اند و فرموده اند: «مِنْ الْمَالِ وَالْجَاهِ وَقُوَّةِ الْبَدَنِ: زَكَاتٍ رَأً ا مِنْ مَالٍ وَآبَرٍ وَنِيْرٍ بَدَنِيٍّ بِرَدَاخْتِ كُنِيْدٍ».^۳ امام حسن عسکری علیه السلام اقسام مواسات را در ادامه سخن خود توضیح داده اند که در ادامه بررسی می شود.

۱. مواسات در مال

حضرت عسکری علیه السلام در توضیح بیشتر و تبیین مصادیق می فرمایند: «فَمِنْ الْمَالِ مُوَاْسَاةٌ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ: زَكَاتٍ مَالِيٍّ أَنْ اسْتَكْفَى بِإِخْوَانِهِ اِيْمَانِيٍّ خَوْذَ نِيْزِ شَأْنِ مُوَاْسَاتِ كُنِيْدٍ».

۲. مواسات با آبرو و موقعیت اجتماعی

امام حسن عسکری علیه السلام درباره مواسات با آبرو فرموده اند: «وَمِنْ الْجَاهِ اِيْصَالُهُمْ اِلَى مَا يَتَقَاعَسُوْنَ عَنْهُ - لِضَعْفِهِمْ عَنْ حَوَائِجِهِمْ الْمُتَرَدِّدَةِ فِيْ صُدُوْرِهِمْ: زَكَاتٍ اِزْآبَرٍ وَمَقَامٍ اِجْتِمَاعِيٍّ أَنْ اسْتَكْفَى بِإِخْوَانِهِ اِيْمَانِيٍّ خَوْذَ نِيْزِ شَأْنِ مُوَاْسَاتِ كُنِيْدٍ».^۴

۳. مواسات با قدرت بدنی

امام عسکری علیه السلام قسم سوم مواسات را در حمایت با قدرت بدنی از ضعیفان دانسته اند: «وَبِالْقُوَّةِ مَعُوْنَةٌ أَخِيْكَ لَكَ قَدْ سَقَطَ حِمَاؤُهُ - أَوْ جَمَلُهُ فِيْ صَحْرَاءٍ أَوْ طَرِيْقٍ، وَهُوَ يَسْتَغِيْثُ فَلَا يَعْاْثُ تُعِيْنُهُ حَتَّى

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲. بقره: ۴۳.

۳. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۶۴.

۴. همان، ص ۳۶۵.

يَحْمِلُ عَلَيْهِ مَتَاعَهُ، وَ تُرْكِبُهُ [عَلَيْهِ] وَ تُنْهَضُهُ حَتَّى تُلْحِقَهُ الْقَافِلَةَ: زکات نیروی بدنی آن است که مؤمن به برادر ایمانی که توانایی خود را در حمل بارش [به عللی] از دست داده یا از قافله باز مانده است و ندا به فریادرسی بلند کرده، کمک کند تا او را به مقصدش برساند».^۱

جایگاه مواسات مالی در میان بخشش‌ها

یاری‌رساندن به دیگران دارای سه مرتبه است که هر یک عنوان خاص و ارزش متفاوتی دارد:

۱. کمک به نیازمندان از افزون بر نیاز خود؛ این نوع کمک، «انفاق»، «صدقه»، «سخاوت»، کرامت و امثال اینها نامیده می‌شود.
۲. شریک‌کردن نیازمندان با خویش و سهم‌کردن آنها در آنچه خود بدان نیازمند است؛ این نوع کمک‌رسانی، «مواسات» نامیده می‌شود.
۳. واگذاری همه آنچه خود بدان نیاز دارد به دیگران؛ این نوع کمک‌رسانی از بالاترین ارزش‌های اخلاقی برشمرده می‌شود و «ایثار» نام دارد.

مواسات و همدردی با مردم، دغدغه امام مجتبی علیه السلام

امام صادق علیه السلام تأکید نموده‌اند که در زمانه امام حسن علیه السلام، کسی چون ایشان دغدغه یاری‌رسانی به مردم را نداشته است.^۲ این ویژگی امام حسن علیه السلام به اندازه‌ای در صفحات تاریخ برجسته شده است که حتی در منابع اهل سنت بر آن تأکید می‌شود؛ چنان‌که ابن عساکر و سیوطی به تجلیل از حضرت به دلیل برخورداری از صفت بخشندگی و مواسات پرداخته‌اند.^۳ بر همین اساس از امام حسن علیه السلام در جایگاه کریم اهل بیت علیه السلام یاد می‌شود.

نمونه‌هایی از مواسات امام مجتبی علیه السلام با مردم

امام حسن مجتبی علیه السلام بسیار بخشنده بودند و برای رفع مشکلات مردم و کمک به نیازمندان و بدهکاران تلاش بسیاری کرده‌اند. ایشان به این حد نیز قانع نبودند و در طول زندگی دو مرحله تمامی ثروت و اموال خود را میان فقر و تهیدستان تقسیم کردند. حضرت تمام توان خویش را در

۱. همان.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۴۴.

۳. ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۴۴؛ جلال‌الدین سیوطی، تاریخ خلفا، ص ۱۸۹.

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام ■ ۱۲۵

راه انجام امور نیک و خداپسندانه و مواسات با نیازمندان به کار می‌گرفت؛ به دلیل همین بخشندگی‌ها و کارهای نیکی که از سوی ایشان انجام می‌گرفت، آن حضرت را «کریم اهل بیت» لقب داده‌اند.^۱

در سبک زندگی این کریم زیباخصال، رفع نیاز فقیران و همراهی و همدردی با آنان در رفع مشکلات چنان مهم بود که فرموده‌اند: «گرامی‌ترین و باشخصیت‌ترین افراد، آن کسی است که به نیازمندان پیش از اظهار نیازشان کمک کند».^۲

نمونه‌های عملی اقدامات مواساتی امام علیه السلام

۱. پشتیبانی از فقیر تا رفع فقر

شخصی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید و عرض کرد: ای فرزند امیرمؤمنان، تو را به خدایی که به شما نعمت فراوان داده، به فریاد من برس؛ دشمنی ستمکار دارم که نه حرمت پیران را پاس می‌دارد و نه به خُردی صغیران رحم می‌کند. امام علیه السلام که تکیه داده بود، با شنیدن این سخن [چنان حالی پیدا کردند که] نشستند و فرمودند: «کیست این دشمن تا داد تو را از او بگیرم؟» او گفت: دشمن من فقر است. امام علیه السلام اندکی سر به زیر افکند و سپس سر برداشت، به خدمتکار خود فرمود: «آنچه مال نزد تو موجود است، بیاور». خدمتکار پنج هزار درهم آورد و به دستور امام علیه السلام به آن مرد داد. پس از رفع مشکل آن شخص، امام علیه السلام به او فرمود:

«بِحَقِّ هَذِهِ الْأَقْسَامِ الَّتِي أَقْسَمْتُ بِهَا عَلَيَّ مَتَى أَتَاكَ خَضَمُكَ جَائِرًا إِلَّا مَا أَتَيْتَنِي مِنْهُ مُتَّظِلًّا: به حق آن سوگندهایی که مرا به آنها سوگند دادی، هرگاه بار دیگر این دشمن ستمکارانه به تو حمله کرد، نزد من بیا و از ظلم او دادخواهی کن».^۳

این رفتار نشان می‌دهد امام حسن علیه السلام بدهکاری و گرفتاری مردم را همچون مشکل خود می‌پنداشتند و با تمام توان در پی رفع آنها بودند. از دیدگاه اخلاق اسلامی، این رفتار نهایت مواسات است.

۲. اهمیت دادن به آبروی نیازمند

به‌روشنی مشخص است که فرد نیازمند آبرومند در هیچ شرایطی حاضر نیست آبروی خود را با

۱. باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن علیه السلام، ص ۱۳۵.

۲. ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، ص ۵۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۰.

عرض حاجت نزد دیگران خدشه‌دار کند؛ از این‌رو در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام اگر کسی حاضر به اظهار نیاز نزد آنان می‌شد، مراقب آبروی او بودند و از آسیب به شخصیت او پیشگیری می‌کردند. بر اساس همین سبک زندگی، کریم اهل بیت علیهم‌السلام برای اینکه با نیازمندی که از ایشان کمک خواسته بود، رودررو نشوند و او شرم‌نده نشود، فرمود: «آنچه می‌خواهی را در نامه‌ای بنویس و برای ما بفرست تا نیازت برآورده شود». آن مرد نیازهای خود را در نامه‌ای نوشت و برای امام علیه‌السلام فرستاد. حضرت نیز آنچه را خواسته بود، برایش فرستاد. شخصی که در آنجا حضور داشت، به امام عرض کرد: «به‌راستی چه نامه پربرکتی برای آن مرد بود». امام در پاسخ او فرمود: «برکت این کار برای من بیشتر بود که سبب شد شایستگی انجام این کار نیک را داشته باشم؛ زیرا بخشش راستین آن است که بدون درخواست شخص، نیازش را برآوری؛ ولی اگر آنچه خواسته است را به او بدهی، درواقع قیمتی است که برای آبرویش پرداخته‌ای».^۱

۳. رفع مشکل بدون درخواست

امام حسن علیه‌السلام درد جامعه داشت و مراقب بود در حد توان رنج مردم کم شود. روزی امام حسن علیه‌السلام در مسجدالحرام نشسته بود که متوجه شد فردی در مناجات خود از خداوند می‌خواهد ده‌هزار درهم روزی او کند. امام علیه‌السلام با شنیدن نیاز او، گویا خودش به مشکل برخورد است؛ از این‌رو بی‌درنگ برخاست، به خانه رفت، ده‌هزار درهم فراهم کرد و برای آن مرد فرستاد. آن مرد پول را گرفت و مشکل خود را رفع کرد، بدون آنکه بداند چه کسی برای او این همه پول را فرستاده است.^۲

۴. خروج از حال عبادت برای رفع نیاز مردم

ابن عباس از صحابه پیامبر و از یاران امام حسن علیه‌السلام می‌گوید با امام حسن مجتبی در مسجدالحرام معتکف بودیم. در همان حال اعتکاف، طواف خانه کعبه انجام می‌دادیم که یکی از شیعیان و دوست‌داران حضرت خدمت ایشان آمد و گفت: من طلبکاری دارم که تهدید کرده اگر بدهی مرا ندهی، تو را به حبس خواهم انداخت و من هم پولی ندارم. ابن عباس می‌گوید: امام حسن طواف را رها کرد و قصد خارج شدن از مسجدالحرام کرد؛ رو به امام کردم و گفتم: فراموش کردید که شما معتکف هستید و نمی‌توانید از مسجدالحرام خارج شوید. ایشان فرمود:

۱. ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، ص ۵۵.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب: ج ۴، ص ۱۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۱.

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام ■ ۱۲۷

«متوجه هستم که در حال اعتکافم، اما از جدم رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: هر کسی حاجت برادر مؤمن خود را برآورده کند، مانند آن است که خدای بزرگ را نه هزار سال عبادت کرده است، در حالی که روزها را روزه و شبها را به عبادت پرداخته است».^۱

این نوع دل‌سوزی نشان می‌دهد در اندیشه امام مجتبی علیه السلام بدهکاری و گرفتاری مردم، گرفتاری خود ایشان بود و ایشان برای رفع رنج و غصه مردم هیچ نوع کوتاهی را روا نمی‌دانستند.

۵. مواسات و همراهی بر اساس نوع نیاز

روزی خلیفه سوم در مسجد مدینه نشسته بود که مرد فقیری وارد نزد او رفت و درخواست کمک کرد. عثمان به او پنج درهم داد. آن مرد نگاهی به سکه‌ها کرد و گفت: «مرا نزد کسی راهنمایی کن [که کمک بیشتری کند]». عثمان او را نزد امام مجتبی علیه السلام فرستاد که همراه حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر نشسته بودند و گفت: نزد آن چند جوان برو و از آنها کمک بخواه. فقیر نزد آنها رفت و نیاز خود را بیان داشت. امام حسن علیه السلام برای نمایاندن جنبه‌های تربیتی بخشش، از مرد پرسید: «إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ دِمٌّ مُقْجِعٌ أَوْ دَيْنٌ مُقْرِحٌ أَوْ فَقْرٌ مُدْقِعٌ فَفِي أَيِّهَا تَسْأَلُ؟» کمک‌خواستن از دیگران، تنها در سه مورد رواست: ۱. خون‌بهایی به گردن انسان باشد [و توان پرداخت آن را نداشته باشد]؛ ۲. بدهی سنگینی داشته باشد [و از عهده پرداخت آن برنیاید]؛ ۳. درمانده‌ای باشد [که دستش به جایی نرسد]. تو کدام‌یک از این سه دسته هستی؟»

مرد فقیر سبب نیازمندی خود را بیان کرد. امام حسن علیه السلام پنجاه دینار طلا به او بخشید. امام حسین علیه السلام به پیروی از ایشان و نیز رعایت جایگاه امامت، ۴۹ دینار و عبدالله بن جعفر نیز با همین انگیزه ۴۸ دینار به او کمک کردند. عثمان با دیدن این جریان گفت: این خاندان، کانون علم، حکمت و سرچشمه همه نیکی‌ها هستند.^۲

این رفتار نشان می‌دهد مواسات و همراهی حقیقی باید به رفع کامل مشکل نیازمند بینجامد، نه آنکه چون روش خلیفه، با کمک ناچیز او را آواره خانه‌ها کنیم و واداریم نزد افراد متعدد دست نیاز دراز کند و آبرویش را بر باد دهد.

۶. مواسات با برادر در اهدای فرزند برای شهادت

امام مجتبی علیه السلام نه تنها به فکر همدردی با نیازمندان و رنج‌دیدگان بود، بلکه در حیات خود به فکر

۱. عزیرالله عطاردی، مسند الامام المجتبی، ص ۶۷۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۳.

روز تنهایی و بی‌یآوری برادرش حسین علیه السلام نیز بود. او ده سال قبل از فرارسیدن عاشورا، نامه‌ای به فرزندش قاسم داد تا در کربلا بتواند با برادرش مواسات کند و در کنار او باشد. حضرت قاسم که نوجوان بود، در عاشورا از عمویش حسین علیه السلام خواست به او نیز مانند علی اکبر علیه السلام اجازه دهد تا او را کمک کند و جان‌ش را فدای عمو جان‌ش کند، اما امام حسین علیه السلام قبول نکرد. او بسیار ناراحت شد و گریه کرد که چرا یاران و پسران عمویش شهید شدند، ولی من محروم مانده‌ام؛ به‌ناگاه یاد نوشته‌ای افتاد که پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام به بازویش بسته و فرموده بود: «هرگاه بسیار غمگین شدی، آن را باز کن و بخوان و به آنچه در آن نوشته شده است، عمل کن». او با خود گفت سال‌ها از عمر من گذشته و هرگز چنین ناراحت و غمگین نشده‌ام؛ پس نوشته را از بازوی خود باز کرد و در آن خواند:

«فرزندم قاسم، تو را سفارش می‌کنم هرگاه در کربلا دیدی که دشمنان، عمویت حسین علیه السلام را محاصره کرده‌اند و قصد جان او را دارند، لحظه‌ای درنگ نکن و با دشمنان خدا و دشمنان رسولش جهاد کن و از ایثار جان خویش دریغ مکن. اگر عمویت به تو اجازه رفتن به میدان رزم نداد، التماس و اصرار کن تا رضایت و اجازه او را به دست آوری و سعادت و خوشبختی همیشگی را برای خود تأمین کنی».

حضرت قاسم پس از خواندن نامه، سریع از جای خود برخاست و شتابان به سوی عموی مظلومش امام حسین علیه السلام آمد و با گریه، آن نوشته را تقدیم عمویش کرد. چون امام حسین علیه السلام گریه ملتسمانه برادرزاده و نوشته برادر خویش را مشاهده کرد، گریست و سپس نفس عمیقی کشید و فرمود:

«برادرزاده عزیزم قاسم، این سفارش پدرت را می‌پذیرم»؛ آن‌گاه او را نزد عون - پسر عمه‌اش - و عمویش حضرت ابا الفضل العباس برد. از آنجاکه زره و کلاه خود به اندازه او نبود، از خواهرش زینب پیراهنی تمیز گرفت و بر اندام قاسم پوشاند و عمامه‌ای بر سرش بست و بعد از آن، او را روانه میدان کرد.

حضرت قاسم مقابل فرمانده لشکر عمر سعد رفت و بانگ زد: آیا از غضب و خشم خدا نمی‌ترسی که با عمویم حسین علیه السلام چنین کارزار می‌کنی؟! آیا از رسول خدا شرم و حیا نمی‌کنی؟! عمر سعد ملعون گفت: مطیع امر یزید شوید تا از شما دست برداریم. حضرت قاسم فرمود: خداوند تو را بدبخت کند، تو چگونه مدعی اسلام هستی، در حالی که با آل رسول جنگ می‌کنی؟! اما

قاسم که از پندپذیری آنان ناامید شد، به لشکر حمله کرد و عده‌ای را به هلاکت رسانید؛ اما

موااسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام ■ ۱۲۹

آنان اطراف وی را محاصره کردند و هر کسی ضربه‌ای از تیر، شمشیر و سنگ بر آن نوجوان عزیز زد که درنهایت به فیض شهادت نایل آمد.^۱

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف: مطبعة حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۲. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۳. _____، ترجمة الإمام الحسن علیه السلام، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۴۰۰ ق.
۴. بحرانی، سیدهاشم، مدینه المعاجز، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۵. بیهقی، ابراهیم، المحاسن و المساوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مؤسسه اسرا، ۱۳۸۹ ق.
۷. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۸. عطاردی، عزیزالله، مسندالامام المجتبی، تهران: عطارد، ۱۳۷۳ ش.
۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دارالعلم، [بی تا].
۱۰. قرشی، باقر شریف، زندگانی امام حسن علیه السلام، ترجم: فخرالدین حجازی، تهران: بعثت، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱. سیدهاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۳۶۶-۳۶۷، ح ۹۳۱.

امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری*

اشاره

گفتگو با مخالفان، راهبردی مهم در کاهش تنش‌های اجتماعی شناخته شده است؛ به همین دلیل در سیره معصومان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این مهم در سیره امام رضا علیه السلام نیز از فراوانی خاصی برخوردار است. نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن بررسی این موضوع در سیره رضوی علیه السلام، به این پرسش پاسخ دهد که گفتگو با گروه‌های مختلف چه جایگاهی در سیره امام رضا علیه السلام داشت؟ و چه راهکارهایی در گفتگوهای آن حضرت به کار رفته است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که امام رضا علیه السلام ضمن توجه به گفتگوهای درون‌دینی مانند گفتگو با برخی سران و پیروان واقعی و نیز متکلمان بعضی از فرقه‌های اسلامی مانند سلیمان مروزی و گفتگوهای برون‌دینی (بین‌الادیانی) مانند گفتگو با رأس الجالوت و جاثلیق و عمران صابئی، از راهکارهایی مانند تکریم و مهرورزی، دوری از تعصب، رعایت حقوق برابر و احترام به دیدگاه دیگران بهره برده‌اند و از این روش برای کاهش تنش‌های اجتماعی استفاده می‌کردند.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام رضا علیه السلام، توجه آن حضرت به گفتگو با افراد و جریان‌های مختلف است. اهمیت این رفتار حضرت ثامن الحجج زمانی بهتر مشخص می‌شود که نقش این اقدام در کاهش تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی و اثر آن در ایجاد همگرایی تبیین گردد. نوشتار پیش‌رو درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چگونه از گفتگو در جایگاه راهکاری برای کاهش تنش‌های اجتماعی بهره می‌بردند؟ این مهم نیز محقق نمی‌شود

* دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: H.motahari@isca.ac.ir

مگر با شناخت وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران و تبیین متناسب سیره رضوی علیه السلام در بستر تاریخی آن.

دوران امام رضا علیه السلام از نظر سیاسی هم‌زمان با ایجاد شکاف و اختلاف در دستگاه خلافت عباسی بود. هارون الرشید (۱۷۰ - ۱۹۴) که سه تن از فرزندان (امین، مأمون و مؤتمن) را به ترتیب و با تعیین قلمرو حاکمیت، ولیعهد خود تعیین کرده بود، در شرایطی از دنیا رفت که برای سرکوب شورشی به خراسان رفته بود؛ در حالی که امین جانشین او در بغداد بود و فرزند دیگر و ولیعهد دومش (مأمون) همراه او در خراسان بود. با مرگ هارون، اختلاف و درگیری میان فرزندان او آغاز شد و سرانجام با کشته شدن امین به دست مأمون پایان یافت.^۱ مأمون که با کشتن برادرش امین، پایگاه خود را در میان خاندان عباسی از دست داده بود، مرکز خلافت را از بغداد به مرو منتقل کرد و برای به دست آوردن پایگاهی در بین ایرانیان و نیز همراه کردن علویان با خود و خاموش کردن قیام‌های علویان، اقدامات دیگری انجام داد. مهم‌ترین اقدام او در این زمان، احضار امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو و پیشنهاد خلافت و سپس ولایت‌عهدی به ایشان بود که امام علیه السلام با وجود میل باطنی و به اجبار آن را پذیرفت. اما برای آن شرایطی تعیین کرد که به نوعی به معنای نفی مشروعیت عباسیان بود؛ بنابراین از جهت سیاسی وضعیت آشفته‌ای در قلمرو عباسیان دیده می‌شود.

از نظر فرهنگی نیز این دوره متفاوت از دوران گذشته بود؛ از یک‌سو افکار و اندیشه‌های مختلف بر اثر نهضت ترجمه وارد جامعه اسلامی شد و از سوی دیگر برخی انحراف‌ها در میان شیعیان مانند واقفیه نیز ضربه جبران‌ناپذیری بود که اصلاح آن به سادگی ممکن نبود. پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، گروهی از پیروان آن حضرت به تبعیت از برخی وکیلانی که اموالی از امام در اختیار داشتند و نمی‌خواستند آن را به جانشینان حضرت بدهند،^۲ شهادت آن حضرت و به دنبال آن امامت حضرت رضا علیه السلام را انکار کردند و امام کاظم علیه السلام را همان امام

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۸، ص ۴۷۲ - ۴۸۹؛ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۳۱۹ - ۳۳۴.

۲. شکل‌گیری جریان انحرافی واقفیه علل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی داشت که سبب انکار شهادت امام کاظم و انکار امامت امام رضا علیه السلام و ترویج اعتقاد مهدویت امام کاظم علیه السلام توسط گروهی از منحرفان گردید. برای اطلاع از علل و پیامدهای شکل‌گیری واقفه، ر.ک: ریاض محمد حبیب ناصری، الواقفیه: دراسة تحليلية؛ نیز: محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام.

امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی ■ ۱۳۳

قائم دانستند.^۱ قسمتی از وقت امام رضا علیه السلام صرف گفتگو با اینان شد. درواقع امام علیه السلام خطر واقعه را برای جامعه به‌خوبی دریافته بود و به دنبال رفع آن بودند و تدابیر خاصی برای مواجهه با آنان در پیش گرفتند که یکی از آنها گفتگو با سران و پیروان واقعه بود.

از سوی دیگر، افکار و اندیشه‌های انحرافی به علل مختلف از جمله نهضت ترجمه در جامعه گسترش یافته بود. نهضت ترجمه که در عصر اول عباسیان شکل گرفت، در دوره هارون و مأمون به اوج رسید و افکار ملت‌های دیگر را وارد سرزمین‌های اسلامی کرد. برخی از این افکار در پیوستگی با اندیشه‌های عقل‌گرایی مانند معتزله سبب رواج برخی افکار و اندیشه‌های انحرافی مانند اعتقاد به خلق قرآن گردید که از دوران امام رضا تا دوران امام هادی علیه السلام همواره یکی از پرسش‌های جامعه مسلمانان از ائمه بود. جریان فرهنگی و اجتماعی دیگری که در این دوران رواج یافت و البته ریشه آن به دوران پیش از امام رضا علیه السلام بازمی‌گشت، جریان زندقه بود که جامعه مسلمانان را تهدید می‌کرد. تحرکات فرقه‌های انحرافی مانند غالیان را نیز باید بر این موارد افزود.

امام رضا علیه السلام در چنین فضایی، روش گفتگو با دیگران را در پیش گرفتند و با این شیوه بسیاری از تنش‌های اجتماعی را برطرف کردند. این گفتگوها از ابعاد مختلف از جمله مخاطبان و نیز راهکار و ابتکار امام دارای اهمیت هستند که نوشتار پیش‌رو در پی تبیین این دو نکته است.

الف) مخاطبان

گفتگوهای امام رضا علیه السلام از جهت مخاطبان را در دو دسته کلی می‌توان تبیین کرد: گفتگوهای درون‌دینی؛ گفتگوهای برون‌دینی.

گفتگوهای درون‌دینی مانند گفتگوهای امام با واقفیه برای رفع این انحراف و کاستن از تنش ایجادشده از سوی آنان در میان شیعیان و نیز گفتگو با برخی از اندیشمندان اهل سنت مانند گفتگو با سلیمان مروزی از متکلمان خراسان.

واقفیه به این دلیل دارای اهمیت است که این جریان درون جامعه شیعه و آن هم از سوی افرادی شکل گرفت که منسوب به امام کاظم علیه السلام بودند.^۲ این نکته در کنار آشنایی برخی سران واقفیه با روایات اهل بیت علیهم السلام و امامان پیشین از یک‌سو و نیز تفسیر و کلام وفقه از سوی دیگر

۱. محمد بن حسن طوسی، الغیبة، ص ۵۶.

۲. محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص ۶۴۴.

سبب می‌شد آنها در جذب برخی شیعیان و انحراف جامعه شیعی موفق باشند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر مهم‌ترین تشکیلات امامیه یعنی وکالت وارد شود.

امام رضا علیه السلام مانند تمام جریان‌های فکری، فرهنگی و سیاسی با واقفیان نیز از در گفتگو درآمدند و کوشیدند با استدلال عقلی و نقلی آنان را از مسیر انحراف بازدارند و مسیر درست را به آنان بنمایانند. امام علیه السلام با توجه به خطر بزرگی که از ناحیه اینان، کیان تشیع را تهدید می‌کرد، در همان دروان آغازین امامت خود که هم‌زمان با خلافت هارون الرشید بود و با وجود خطرهایی که آن حضرت را تهدید می‌کرد، بدون تقیه امامت خود را اظهار می‌کردند.^۱ امام رضا علیه السلام با توجه به خطر این گروه تا پایان عمر شریفشان به جلوگیری از این انحراف توجه ویژه داشتند؛ زمانی که در مدینه بودند و آن‌گاه که در مرو حضور داشتند و حتی در مسیر مدینه به خراسان، از راهنمایی افراد برای دوری از واقفیان غافل نبودند؛ چنان‌که در مسیر خراسان شخصی به نام جعفر بن محمد نوفلی از امام درباره واقفیه پرسیدند و امام پاسخ او را دادند.^۲ حسین بن علی و شاء نیز از واقفیان بود^۳ که پس از دیدار با امام رضا علیه السلام و گفتگو با آن حضرت از اندیشه واقفیان روی‌گردان شد، به امام رضا علیه السلام پیوست و پس از آن حضرت نیز همواره در کنار امامان بعدی بود. بر اساس گزارش ابن شهر آشوب، امام رضا علیه السلام او را به مرو فراخواند و از مرگ علی بن حمزه بطائنی و سرنوشت او و احوالش در قبر خبر داد. همین گفتگو بازگشت حسن بن و شاء را به دنبال داشت و او از یاران امام رضا علیه السلام و امامان بعدی شد.^۴ گفتگوهای امام رضا علیه السلام برای حل بحران واقفه به اندازه‌ای بود که محمد بن عیسی یقطینی از پانزده هزار مسئله در این باره یاد می‌کند.^۵ افراد متعددی با گفتگوی امام رضا علیه السلام از واقفیان فاصله گرفتند. حسین بن بشار از یاران امام کاظم علیه السلام بود که شهادت ایشان و امامت حضرت رضا علیه السلام را قبول نداشت، اما با گفتگوی حضرت ثامن الحجج علیه السلام از اندیشه نادرستش بازگشت.^۶ این گفتگوها در رفع تنش‌های اجتماعی بسیار اثرگذار بود.

گفتگوهای برون‌دینی مانند گفتگو با سران و نمایندگان یهودیان، مسیحیان، زردشتیان و

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۳.

۳. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۷۱.

۴. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۷.

۵. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۷۳.

۶. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۸۴۷.

صابئیان که برای دوری از تکرار و تفصیل، در ادامه مقاله و در ضمن راهکارهای امام علیه السلام بدان‌ها اشاره خواهد شد.

ب) راهکارهای امام در گفتگو

امام رضا علیه السلام در گفتگوهای خود با افراد و گروه‌های مختلف از روش‌ها و نوآوری‌های خاصی بهره می‌گرفتند و همین روش‌ها افزون بر بیشترکردن اثرگذاری آن گفتگوها، از تنش‌های احتمالی جلوگیری می‌کرد. امام در گفتگوهای خود ضمن احترام گذاشتن و تکریم طرف مقابل، از روش‌های متفاوتی مانند استفاده از باورها و اعتقادات طرف مقابل، تحمل باورهای دیگران، گوش دادن به سخن مخالفان و استفاده از دلیل عقلی بهره می‌بردند.

تکریم و مهرورزی

یکی از مهم‌ترین راهبردها برای کاهش تنش اجتماعی، تکریم و مهرورزی در برابر مخالفان است. هرگاه انسان در مواجهه با افراد مختلف به‌ویژه مخالفان پا را از دایره انصاف فراتر نگذارد، ادب را رعایت کند و از در تکریم و مهر ورزی وارد شود، می‌تواند امیدوار به همراهی طرف مقابل و به دنبال آن کاهش تنش اجتماعی باشد. امام رضا علیه السلام که همانند اجداد طاهری‌اش الگوی کاملی برای رهبری جامعه بودند، همواره در گفتگوهای خود به تکریم افراد و گروه‌های مختلف توجه داشتند. ایشان نه تنها به کسی توهین نکردند، بلکه همواره افراد را از آن برحذر می‌داشتند. تمسخر و به‌کارگیری الفاظ نامناسب در سیره رضوی جایی نداشت و از آن به‌شدت نهی می‌کردند و همین مسئله یکی از رموز موفقیت آن حضرت بود. ابراهیم بن عباس می‌گوید هرگز ندیدم امام رضا علیه السلام در گفتگو با کسی درشتی کند یا کلام او را قطع کند.^۱ امام علیه السلام حتی طرف مقابل را نیز به پیروی از همین شیوه توصیه می‌کردند؛ چنان‌که در گفتگو با عمران صابئی پیش از مناظره فرمودند: «ای عمران، هرچه می‌خواهی بپرس؛ اما انصاف را فروگذار مکن و از سخن بیهوده و باطل برحذر باش».^۲ هنگامی که سلیمان مروزی در مناظره با امام رضا علیه السلام از پاسخ‌گویی عاجز شد و نتوانست پاسخ درستی بدهد، حاضران در مجلس او را به تمسخر گرفتند و خندیدند؛ اما آن حضرت ضمن دعوت حاضران به حفظ آرامش مجلس، سلیمان

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۶۸.

مروزی را تکریم کردند و فرمودند: «إِزْفَقُوا بِمُتَكَلِّمِ خَرَّاسَانَ».^۱ امام علیه السلام با این کلام هم او را تکریم کردند و جایگاه او را به عنوان متکلم خراسان بالا بردند و هم آرامش را به او برگرداند تا با آرامش بهتر سخن بگوید. امام رضا علیه السلام حتی به رفتار مأمون با سلیمان نیز واکنش نشان دادند؛ هنگامی که مأمون با دیدن تناقض گویی های سلیمان، سخن او را قطع کرد و زبان به ملامت او گشود، امام علیه السلام از سلیمان خواست سخن خود را ادامه دهد.^۲ این رفتار امام و احترام او به طرف مقابل و حتی واکنش آن حضرت به رفتار نامناسب برخی حاضران در مجلس، به طور طبیعی همراهی بهتر و بیشتر طرف گفتگو را به دنبال داشت و سبب کاهش تنش های اجتماعی می شد.

رعایت حقوق برابر

یکی از مهم ترین نکات اثرگذار در گفتگو، نداشتن احساس تبعیض و نابرابری از سوی مخاطب است؛ همان شیوه ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که قرار بود با فردی عادی در برابر قاضی قرار گیرد و قاضی او را با عنوان خاص و طرف مقابل را بدون چنان احترامی صدا زد، امیرالمؤمنین علیه السلام لب به اعتراض گشود و خواهان برابری حتی در خطاب شد و همین اقدام امیرالمؤمنین، سبب گرایش او به اسلام گردید.

امام رضا علیه السلام نیز در گفتگوهای خود به همین نکته را توجه می کردند؛ چنان که حتی مأمون خلیفه عباسی را از دخالت در مناظره با سلیمان مروزی برحذر داشتند.

گوش دادن به سخن مخالف و تحمل دیدگاه و باورهای دیگران

یکی از مهم ترین راهکارها برای کاهش تنش در جامعه، احترام گذاشتن به باورهای مخالفان و گوش دادن به سخن طرف مقابل است. امامان شیعه افزون بر اینکه همواره بر این روش عمل می کردند، به دیگران نیز توصیه می نمودند؛ به گونه ای که حتی مخالفان اهل بیت علیهم السلام نیز بدان اعتراف می کردند. مفضل بن عمر از یاران امام صادق علیه السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و آله با گفتگوی ابن ابی العوجاء و یارانش درباره خدا و پیامبر مواجه شد و به شدت بر آنها عصبانی شد و بر سر آنها فریاد کشید؛ اما ابن ابی العوجاء ضمن دعوت از او به مناظره، گفت: «اگر از یاران جعفر بن محمد هستی، او هرگز با ما چنین سخن نمی گوید و مانند تو با ما مجادله نمی کند. او بیش از آنچه تو از ما شنیدی، سخنان ما را شنیده است؛ ولی در گفتگو با ما هرگز دشنام نمی دهد و در

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۴۶.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۸۳.

پاسخ به ما تعدی نکرده است. او باوقار و بردبار و عاقل و استوار است. به سخنان ما گوش می‌دهد و به دلیل ما توجه می‌کند تا سخنان خود را به طور کامل می‌گوییم و گمان می‌کنیم او را مغلوب کرده‌ایم. آن‌گاه او حجت ما را با دلیلی ساده و خطابی کوتاه باطل می‌سازد و ما را به دلیل خود ملزم می‌کند و ما نمی‌توانیم پاسخ او را بدهیم. اگر تواز یاران او هستی، مانند او سخن بگو.^۱ این شیوه امام صادق علیه السلام در سیره امام رضا علیه السلام نیز مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در گفتگو با سلیمان مروزی که در پاسخ امام به تناقض‌گویی افتاده بود، نه تنها او را تحقیر نکرد، بلکه با حوصله به سخن او گوش دادند و دیگران را نیز بدان توصیه کردند.^۲

دوری از تعصب

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین راهکارها در مناظره‌ها و گفتگوها، دوری از تعصب است. هرگاه کسی بدون توجه به استدلال و از روی تعصب بر مطلبی پافشاری کند، راه را بر علم و دانش و عقل‌گرایی و هم‌گرایی اجتماعی می‌بندد؛ درحالی‌که دین اسلام و امامان معصوم همواره از آن نهی کرده‌اند و در رفتار خود نیز آن را نشان می‌دادند. نگاهی به مناظره‌ها و گفتگوهای امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد ایشان در گفتگو با پیروان ادیان و مذاهب نه تنها تعصبی نداشتند، بلکه حتی در مقابل آنان به تعالیم موجود در آثار خودشان استدلال می‌کردند. حضور رأس‌الجالوت به نمایندگی از یهودیان، جاثلیق مسیحی با عنوان نماینده مسیحیان، هیربد بزرگ موبدان زردشتی و عمران صابی نماینده صابئیان و نیز پیروان مذاهب اسلامی نشان بارزی از نداشتن تعصب امام در برابر آنهاست و این مسئله نقش کم‌نظیری در کاستن از تنش‌های اجتماعی دارد؛ به‌ویژه آنکه امام افزون بر رهبری معنوی مسلمانان، ولایت‌عهدی خلافت را نیز عهده دار بودند و اگرچه این مقام برای امام هیچ ارزش و آورده‌ای نداشت، اما در نظر مردم منصبی رسمی و حکومتی بود و بهادادن به آنان در هم‌گرایی اجتماعی بسیار اثرگذار بود. درواقع امام رضا علیه السلام بنیان‌گذار گفتگوی بین‌الادیانی بودند و در این راستا دقیق و حساب‌شده برای کاستن از تنش‌های اجتماعی قدم برداشتند. این اقدام امام رضا علیه السلام و توجه به پیروان دیگر ادیان به گونه دیگری نیز در سیره آن حضرت نمود یافته است؛ چنان‌که نامه‌ای از نیشابور به دست مأمون رسید که در آن از

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۷ - ۵۸؛ حمیدرضا مطهری، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، ص ۲۳۲.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۸۸.

وصیت یک فرد زردشتی درباره ثروتش خبر داده بود؛ مردی زردشتی از دنیا رفته و وصیت کرده بود اموالش بین فقیران تقسیم شود و قاضی آن را میان فقرای مسلمان تقسیم کرده بود. مأمون از امام رضا علیه السلام درباره آن پرسید و امام فرمود فرد زردشتی به مسلمان صدقه نمی دهد و باید دستور دهی به همان اندازه از بیت المال مسلمانان بردارند و بین فقیران زردشتی تقسیم کنند.^۱ این دستور امام رضا علیه السلام به طور طبیعی نه تنها تنش زدایی می کند، بلکه در ایجاد هم گرایی اجتماعی بسیار اثرگذار است.

کتاب نامه

قرآن

۱. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح: محمدحسین آشتیانی و سیدهاشم رسولی محلاتی، چ ۱، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
۲. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، چ ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، التوحید، تصحیح: هاشم حسینی طهرانی، چ ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۴. _____، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۵. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: حسین اعلمی، چ ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، [بی تا].
۷. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، چ ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۸. _____، کتاب الغیبة للحجة، تصحیح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، چ ۱، قم: دارالمعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸.

امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی ■ ۱۳۹

۱۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۵ ق.

۱۱. مطهری، حمیدرضا، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ ش.

۱۲. ناصری، ریاض محمد حبيب، الواقیة: دراسة تحليلیة، ج ۱، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.

پیاده‌روی اربعین فرصتی بی‌نظیر برای تبلیغ جهانی اسلام

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن اصغری *

حجت‌الاسلام والمسلمین مسلم موحدی راد **

اشاره

پیاده‌روی اربعین، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تجمعات دینی در جهان اسلام، هر ساله در ایام اربعین امام حسین علیه السلام در کربلا برگزار می‌شود. زائران از شهرهای مختلف عراق، ایران و دیگر نقاط جهان به سمت کربلا حرکت می‌کنند. این رویداد تنها یک مراسم مذهبی نیست؛ بلکه یک حرکت فرهنگی، اجتماعی و در عین حال تبلیغی برای نشر آموزه‌های غنی اسلام و فرهنگ عاشورا به شمار می‌آید.

این رویداد فرصتی بی‌نظیر برای ترویج ارزش‌های انسانی و اخلاقی اسلام فراهم می‌آورد. از طریق این تجمع عظیم، زائران نه تنها به تجدید بیعت با آرمان‌های امام حسین علیه السلام می‌پردازند، بلکه پیام‌های عدالت، ایثار و آزادی را نیز به گوش جهانیان می‌رسانند. از سوی دیگر پیاده‌روی اربعین ظرفیت بالایی برای ایجاد گفتگو و تبادل نظر میان مسلمانان از ملیت‌ها و مذاهب مختلف دارد. به همین دلیل، پیاده‌روی اربعین فراتر از یک مراسم مذهبی، تبدیل به جریانی پویا و تأثیرگذار در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی شده است.

اهمیت و جایگاه زیارت اربعین

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین تجمعات معنوی و مذهبی در جهان اسلام

* مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌پژوه سطح ۴ مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی:

Mohsen.asghari@chmail.ir

** دانش‌پژوه سطح چهار مشاوره اسلامی، گرایش خانواده و ازدواج.

است که اهمیت ویژه‌ای دارد. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ».^۱ این بدان معناست که هر قدم در این مسیر نه تنها به تعالی روح و قرب بیشتر به خداوند می‌انجامد، بلکه برکاتی از قبیل رحمت، مغفرت را نیز به همراه دارد. به همین دلیل، زیارت اربعین فرصتی استثنایی برای تجدید بیعت با آرمان‌های امام حسین علیه السلام و شهادت‌طلبی ایشان به شمار می‌آید. زائران در این مسیر نه تنها در جستجوی پاداش الهی هستند، بلکه در پی تحولی عمیق در درون خود و تقویت باورهایشان نیز هستند. عشق و ارادت به امام حسین علیه السلام در این تجمع بزرگ، نه تنها قلب‌ها را به هم نزدیک می‌کند، بلکه روح ایمان و ایثار را در عرصه‌های زندگی گسترش می‌دهد.

معنا و بنای تبلیغ اسلام

تبلیغ در اصطلاح به معنای رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست.^۲ تبلیغ دین، شاخه‌ای از ارتباطات است که مبلغ می‌خواهد با ابلاغ دین اسلام به کمک هر وسیله ممکن و مشروع، مردم را به سوی اسلام متمایل کند.^۳ خدویند متعال می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند و به کار شایسته و پسندیده وادارند و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و به یقین اینان رستگارند».^۴ این آیه نشان می‌دهد باید گروهی باشند که کافران را به اسلام دعوت کنند و به انجام‌دادنی چیزی که رضای خدا در آن است و سبب پاداش او می‌شود و به ترك آنچه او را به خشم می‌آورد و موجب کفر وی می‌شود، دعوت‌کننده به خیر و معروف باید اسلام‌شناس، مردم‌شناس و شیوه‌شناس باشد؛ به همین دلیل بعضی از افراد این وظیفه را به عهده‌دارند، نه همه آن‌ها.^۵

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۴۲.

۲. محمدتقی رهبر، پژوهشی در تبلیغ، ص ۱۲.

۳. محسن خندان، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ص ۶۲.

۴. آل عمران: ۱۰۴.

۵. محمدجواد مغنیه، ترجمه تفسیر کاشف، ج ۲، ص ۲۵.

ابعاد فرهنگی و تبلیغی پیاده‌روی اربعین

مبلغان گرامی می‌توانند از فرصت پیاده‌روی اربعین در ابعاد ذیل فعالیت کنند:

۱. تبلیغ چهره‌به‌چهره

تبلیغ چهره‌به‌چهره به معنای خاص عبارت است از ارتباط رودرروی مبلغ با مخاطب به صورت مستقیم، غیررسمی و خودمانی و هدفمندانه برای هدایت او. البته این روش منحصر در گفتن نیست، بلکه ممکن است مبلغ با رفتار خود یا انجام دادن کار هنری یا حتی زبان بدن به تبلیغ دین بپردازد. یکی از روش‌های هدایتگری، تبلیغ با رفتار و عمل مبلغ است. این نوع تبلیغ بیشترین تأثیر را در مخاطب دارد؛ زیرا مخاطب در مقابل چشمان خود الگویی را می‌بیند که بر اساس آموزه‌های دینی عمل می‌کند.^۱

در زیارت اربعین آمده است: «وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ: و [شهادت می‌دهم] امام حسین علیه السلام جانم را در راه تو بذل و بخشش نمود تا بندگان را از جهالت و نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد».^۲ حسین بن علی علیه السلام خون جگرش را داد تا مردم را کند، تزکیه کند؛ یعنی همان دو کاری که انبیا انجام می‌دادند. هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است. یکی از صحنه‌های زیبای همایش پیاده‌روی اربعین، هدایتگری و آگاهی‌بخشی است. موکب‌ها در این همایش، بیان تاریخ حماسه کربلا، ابعاد فرهنگی عاشورا و اربعین در قالب عبادت‌های جمعی، نماز جماعت، نماز شب، سخنرانی‌های مذهبی با ملیت‌های مختلف و زبان‌های مختلف و تبلیغ فردی و گروهی است. این اجتماع عظیم چند ده‌میلیونی بعد از پایان آن مانند یک رسانه مردمی قابل اعتماد است که وقتی افراد به کشورها، شهرها، روستاها و محله‌های خود برمی‌گردند، انتقال‌دهنده حقایق به دیگران هستند که این مسئله با مجموعه‌ای از تصاویر می‌تواند جهالت را بزدايد و انسان‌ها را با حقایق بیشتر آشنا کند. از آنجاکه همایش اربعین فعالیتی مردمی است و حاکمیت‌ها آن را کنترل نمی‌کنند، ظرفیت بالایی در انتقال پیام با اعتمادسازی دارد؛ از این رو روایتگری از این همایش و بیان عوامل حرکت‌آفرین و فلسفه پیدایش آن نقش عظیمی در آگاهی‌بخشی دارد.

۱. حسین ملانوری، تبلیغ چهره به چهره، ص ۱۷.

۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، ح ۲۰۱؛ محمد بن حسن طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۸۸، ح ۸۵۷.

۲. تکریم زائران اربعین

یکی از ابعاد همایش پیاده‌روی اربعین، ضیافت و اطعام و انفاق کریمانه از عزاداران و زائران است. مردم عراق و برخی از ملت‌ها با احداث موبک و آشپزخانه‌های سیار در مسیر پیاده‌روی، از زائران با انواع رزق و روزی‌های پاک و طیب پذیرایی می‌کنند. انفاق و اطعام و سیراب کردن از مصادیق تکریم میهمان است. در این همایش جهانی، تکریم مهمان بدون توجه به ملیت، مذهب، نژاد و منزلت اجتماعی افراد انجام می‌گیرد.

بخش عظیمی از زائران که با کمترین امکانات در همایش پیاده‌روی اربعین شرکت کرده‌اند، از کمک‌های مالی و غیرمالی مثل اسکان و درمان بهره‌مندند. این تکریم، وظیفه‌ای دینی و الهی - انسانی و با الگوگیری از اهل بیت علیهم‌السلام و آمیخته با محاسن اخلاقی است. میزبانان عراقی و موبک‌داران این خدمات را مایه افتخار خود می‌دانند؛ درحالی‌که زائران در این همایش منحصر در شیعیان نیستند، بلکه از همه فرق‌های اسلامی حتی از ادیان و مذاهب و کشورهای مختلف بین آنها دیده می‌شود. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا [بر مرکب‌های راهوار] حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».^۱ علامه طباطبایی می‌فرماید:

«این یکی از مظاهر تکریم است که انسان را به میهمانی مثل می‌زند که به ضیافتی دعوت شود؛ آن‌گاه برای حضور در آن ضیافت برایش مرکب بفرستند و در آن ضیافت انواع غذاها و میوه‌ها در اختیارش بگذارند که هم میهمان‌کردن، تکریم است و هم مرکب فرستادن و هم غذاهای لذیذ برایش آوردن همه مصداق تکریم است».^۲

در همایش پیاده‌روی افزون بر پذیرایی و ضیافت، دعوت کریمانه همراه با التماس برای توفیق میزبانی با انواع وسایل آرامش‌بخش مثل اسکان و شستشوی لباس‌ها، پذیرایی جمعی همراه با خوشامدگویی، استقبال و ... از صحنه‌های زیبای این تکریم است. در پذیرایی از زائرین اربعین،

۱. بقره: ۸۳.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۱۶.

مردم عراق و میزبانان بهترین انواع غذاها، نوشیدنی‌ها و امکانات را برای اسکان و استراحت تقدیم می‌کنند؛ همچنین یکی از شگفتی‌های این سفر برای زائران، فروتنی بیش از حد انتظار میزبانان در برابر زائران است. روابط انسانی در این ضیافت با وجود غریبه‌بودن دو طرف، به‌سرعت صمیمانه می‌شود و هیچ‌گونه چشمداشت مادی در آن دیده نمی‌شود. بیشتر شرکت‌کنندگان اظهار می‌کردند بسیاری از میزبانان با اینکه تنگدست بودند، سخاوتمندانه و مخلصانه به پذیرایی از زائران و خدمات‌دهی به آنها اصرار می‌ورزند و این کمک‌رسانی با عشق و برادری انجام می‌گیرد. مشاهده هزاران موکب همراه با آشپزخانه‌های سیار که روستاییان در مسیر پیاده‌روی زائران ساخته‌اند، نمونه‌ای از این مسئله است. موکب‌ها در مکان‌هایی ساخته شده‌اند که تمام نیازهای زائران را تأمین کنند؛ از غذای تازه گرفته تا جای استراحت، از تلفن رایگان بین‌المللی تا گهواره‌های کودکان که همه چیز رایگان است. شگفت‌تر از همه اینها، شیوه دعوت از زائران برای خوردن و نوشیدن است؛ فعالان موکب‌ها به میان راه می‌آیند و با التماس به زائران از آنها می‌خواهند پیشنهاد آنان را قبول کنند.

تکریم در این پیاده‌روی در تمامی ابعاد برقرار است؛ از این‌رو بایسته است تبلیغ نیز در این فضای نورانی با تکریم در گفتار و محتوا همراه باشد؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» و با مردم با خوش‌زبانی سخن بگویید.^۱

روابط اجتماعی در بزرگ‌ترین همایش مذهبی جهان تنها بر دوگانه خادم-زائر استوار است. ازین‌بردن تمامی تعینات اعتباری و توهمی دست‌وپاگیر و ارائه انسانی‌ترین و ساده‌ترین رابطه آسمانی، زمینه حضور انبوه زن و مرد و کوچک و بزرگ را در فضایی امن و سالم ایجاد کرده است که می‌تواند ارائه نمونه‌ای از تمدن نوین اسلامی باشد.

۳. آموزش و ترویج پیام‌های اسلامی

پیاده‌روی اربعین، فرصتی منحصربه‌فرد برای آموزش احکام و معارف دین اسلام به زائران فراهم می‌آورد. در مسیر پیاده‌روی، افراد با محتوای فرهنگی، مذهبی و آموزشی در نقاط مختلف خدمات‌رسانی می‌کنند و به تبلیغ آموزه‌های اسلامی می‌پردازند. این رویداد همچنین فرصتی

برای گفتگو درباره مفاهیم و اصول دینی، تاریخ اسلام و زندگی ائمه علیهم‌السلام است. زائران می‌توانند در مورد معانی و پیام‌های عاشورا، فلسفه قیام امام حسین علیه‌السلام و ارزش‌های انسانی و اخلاقی به بحث و تبادل نظر بپردازند. همچنین، در طول پیاده‌روی، برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و هنری گوناگونی برگزار می‌شود. انبوه زائران از ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف که در این مراسم شرکت می‌کنند، خود به‌تنهایی قدرت و جذابیت پیام اسلام و عاشورا را به نمایش می‌گذارد.

۴. ترویج شناخت جهانی از اسلام

پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مذهبی جهانی، تأثیر قابل‌توجهی در صدور و شناخت فرهنگ اسلامی دارد. این حرکت عظیم، نمایانگر پویایی اسلام است. زائران از سراسر جهان با عشق به امام حسین علیه‌السلام و اهداف ایشان به کربلا می‌آیند و این خود پیام محکمی از وحدت و قدرت ایمان اسلامی به جهانیان منتقل می‌کند. علاوه بر این، حضور پیاده‌روها در کربلا توجه افراد غیرمسلمان را نیز جلب می‌کند. بسیاری از افراد از کشورهای مختلف به دلیل حس کنجکاوی و آشنایی با فرهنگ اسلامی به این پیاده‌روی می‌آیند. این تعاملات زمینه‌ساز شناخت عمیق‌تری نسبت به اسلام می‌شود. به‌عنوان مثال، رسانه‌های داخلی و خارجی به این رویداد توجه ویژه‌ای کرده و گزارش‌هایی در مورد تجمعات عظیم زائران منتشر می‌کنند. این پوشش رسانه‌ای نه‌تنها به آگاهی عمومی در مورد اسلام و فرهنگ عاشورا کمک می‌کند، بلکه تصاویری از همبستگی و وحدت مسلمانان و بشریت را به نمایش می‌گذارد. به‌عنوان نمونه، خبر حضور یک زن مسیحی در جمع زائران حسینی نشان‌دهنده تعامل مثبت بین ادیان و گسترش پیام همدلی و محبت اسلامی است.

۵. ترویج فرهنگ عاشورا

این تجمع نه‌تنها یک مراسم دینی بلکه فرصتی برای نشر مفاهیم انسانی، اجتماعی و اخلاقی مرتبط با عاشورا محسوب می‌شود. در طول پیاده‌روی، زائران با شعارها، برنوشته‌ها و محتوای مرتبط با اهداف و پیام‌های عاشورا مواجه می‌شوند. این محتوا معمولاً شامل اصولی چون عدالت‌طلبی، ایثار و مبارزه با ظلم است. پیاده‌روی جمعی زائران حس همبستگی و مشارکت را تقویت می‌کند و خود به‌عنوان یک مراسم دینی به گسترش عشق به امام حسین علیه‌السلام کمک می‌نماید. از سوی دیگر، در مسیر پیاده‌روی برنامه‌های مختلفی مانند سخنرانی‌ها، روایتگری از

وقایع عاشورا، شعرخوانی و نقالی برگزار می‌شود. این اشکال هنری و فرهنگی نقش بسزایی در انتقال عواطف و مفاهیم عاشورا به زائران دارد. بر این اساس، پیاده‌روی اربعین به‌عنوان نمادی از عشق و ارادت به امام حسین (علیه السلام) و اصول اخلاقی و انسانی که او نمایندگی می‌کند، فرصتی برای یادآوری پیام‌های عاشورا، همچون آزادی‌خواهی، ایثار و عدالت‌طلبی به‌حساب می‌آید.

۶. گسترش همبستگی منطقه‌ای و فرامرزی

هرساله، پیاده‌روی اربعین به مقصد کربلا، زائرانی از کشورهای مختلف از جمله ایران، عراق، لبنان، سوریه، عربستان، هند و حتی کشورهای غیرمسلمان مانند آمریکا و اروپا را گرد هم می‌آورد. این تنوع فرهنگی و زبانی به نزدیکی اعضای مختلف جامعه مسلمان و همچنین معرفی پیام عاشورا فراتر از مرزها و ملیت‌ها کمک می‌کند. در طول پیاده‌روی، زائران مراسم‌های مشترکی را برگزار می‌کنند که شامل دعا، روضه‌خوانی و نثار فاتحه برای شهدای کربلا است. این فعالیت‌ها به تبادل فرهنگ‌ها و تجربیات مذهبی بین زائران از کشورهای مختلف منجر می‌شود و همبستگی آنان را تقویت می‌کند.

۷. فراهم کردن زمینه برای گفتگو

پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی، نقش بارزی در گسترش فرهنگ گفتگو میان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان ایفا می‌کند. این رویداد عظیم انسانی فضایی استثنایی برای افرادی با اعتقادات و فرهنگ‌های متنوع فراهم می‌آورد تا در محیطی معنوی و مسالمت‌آمیز به تبادل نظر و گفتگو بپردازند. به‌عنوان مثال، در مسیر پیاده‌روی و در ایستگاه‌های استراحت، معمولاً نشست‌های فرهنگی و علمی برگزار می‌شود که در آن زائران به بحث و تبادل نظر در مورد ارزش‌ها و آموزه‌های عاشورایی می‌پردازند و تجربیات و باورهای خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. این گفتگوها نه تنها به فهم عمیق‌تر از یکدیگر کمک می‌کند، بلکه به ایجاد دوستی‌ها و اتحاد میان مسلمانان از مذاهب مختلف نیز می‌انجامد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، ج ۴۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، جاذبه حسینی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، [بی‌تا].
۴. خندان، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۵. رهبر، محمدتقی، پژوهشی در تبلیغ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۷ ق.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. کمیته فرهنگی و آموزشی اربعین؛ «ویژه‌نامه اربعین حسینی»؛ ش ۱۲، سال ۱۴۰۲.
۱۲. مغنیه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. ملانوری، حسین، اربعین: چیستی، چرایی، چگونگی، قم: [بی‌تا]، ۱۳۹۶ ش.